

ارگان دانشجویی

اتحاد  
مبارزه  
پیروزی

# آذر

قیمت ۲۰ ریال

سال اول ، شماره ۸ ، نیمه دوم اسفند ۵۸

## تداوم انقلاب در سالی که گذشت

- بنی صدر در آینه جادوی رفقای پیشگام
  - برخورد نیروهای دانشجویی با مسئله سرکوب خلق ترکمن
  - طرح استقلال دانشگاهها ، قوانین گذشته در پوششی نو!
  - مروری بر جنبش کارگم ان بیکار
- ... ۹ ●



مرکز برآمیریا ایسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

# تداوم انقلاب

## دو سالی که گذشت

بهار نور در شرایطی آغاز می کنیم که هنوز پس از گذشت یکسال و اندی از قیام هر روز گوشه ای از محنت میهنمان به خون شهیدان راه آزادی و استقلال میهن کلگون می شود.

در این یکسال چه بسیار مادرانی که در غم از دست دادن فرزندان شان به عزا نشستند و چه بسیار خانواده هایی که نان آوران شان با کلوله سلا - چهای آمریکائی و اسرائیلی شهادت را پذیرا نیستند. در این یکسال با زویان هم چون سال پس از آن در نبرد خلق و مدخلی چه بسیار چاه ها که آبریده شد و امواج خروشان انقلاب همچنان سر بهنا و ایران به پیش تاخت.

آری درخت تنومند انقلاب با خون دلوران خلق کرد و سادان زحمتکش انزلی و دهقانان ترکمن آبیاری شد و روز بروز سر برآوردن از پیش بر می کشد و چه سار و درختی!

در هیئت حاکمه را تشکیل می دهد، سرکوب جنبش خلق و مقابله با مبارزات توده ها بر علیه نظام سرمایه داری وابسته عملکرد سیاست کل رژیم



تربین دوران خود بر می برد. در یکسال گذشته همچنین ما شاهد نبردهای قهرآمیز دهقانان زحمتکش از طرفی و زمینداران و سرمایه داران انگل مفت از سوی دیگر برای کسب حقوق خود از جنگال غاصبین بودیم.

سخن کوتاه در طول یکسال گذشته در همه جادری کارخانه ها، مزارع، دبستانها، دبیرستانها و... توده ها زرمیدند. در همه جا برخلاف خواست به قدرت خریدگان سازشکار و خیانت پیشه مبارزه - بر طبق منطق عینی خود ادامه داشت. و در جریان این مبارزات می بینیم که چه سان توهمنات توده ها به سرعت فرو می ریزد. آنها در برابر تیک روزمره شان بسیار چیزها آموختند. آنها عملاً "خیانت پیشگان لیبرال را تجربه کردند. و همسایگان با امپریالیسم و آشکارا مشاهده کردند.

ولی این یکسال تنها جنبش توده رابه همسراه نداشت بلکه همسراه با آن و بدنیالش در بالانیز تغییراتی به وقوع پیوست خرده بورژوازی مرفه سنتی که تا مدتها با تکیه بر ارگانهای مستقل خود یعنی کمیته ها و شورای انقلاب دارای عملکردهای متعاقباتی از لیبرالها و کمبرادورهای متشکل در دولت موقت بود پس از طی یک دوران با ادغام نوری انقلاب و دولت موقت به صف ضد انقلاب پیوست. از آن پس اگر چه در مقوله تضاد - های دورن هیئت حاکمه جناحهای گوناگون آن با یکدیگر در تضاد بوده و گاه این اختلافات آشکارا



مبارزه طبقاتی و برانگیز روزانه توده ها در این مدت چه بسیار مطالب که به آنها آموخت بوده هاکه به علت نوهما نشان ثوراتهای میلیونی به نایب قضا زاده اممائی کردند، آنها که سینه بسته در خیابانها به حمایت از بازگشتن جنب و زبر محبوب ملت (!) راهپیمائی کرده و شعار می دادند، آنها که جه آسان می توانستند آلت دست مرتجعین کوردل بر علیه نیروهای انقلاب گردیدند... حد زودیه ماهت واقعی خائنین پس بریدند. اگر قدری سندان جدید ادعا می کردند که فقط ۵٪ از توده های میهنمان برخلاف آسان بشردار توده صف های عظیم پشت صندوق های رای با بند خود می باز بندند کارشان به حائی رسیده که همین صندوق ها را از ترس رفتن توده ها - های آن و انظار نظراتن حتی به سوه مورد پسند رژیم می رسانند و آشکارا به دلائل موهومی از سر - ترازی عثمان انحانات نیز احتجاج می نمایند. اثر اراغیانات کارگران کارخانه ها در اوایل سال گذشته به بنانه فتوای امام مبنی بر عدم کم کاری و... و سایر بنانه اخلاص و خرابکاری خلوقی می کردند. ما می بینیم که در آخرین روزهای سال - پس سال حسن کارگری در یکی از برخوردش -



در معرض قضاوت توده ها قرار می گرفت ولی باز - زی نظام و کوشش در جهت حفظ مناسبات سرمایه داری وابسته عامل وحدت همه جناحهای موجود



برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

دانشجویان پیشگام در شماره ۳ " نبرد دانشجو" مقاله ای نگاشته اند تحت عنوان " کارنامه" آقای بنی صدر. ارزیابی رفقای پیشگام از بنی صدر به شیوه ای غیرطبقاتی صورت گرفته است و بطور فاحشی از ماهیت واقعی وی قائله دارد که در واقع امر حاکی از توهم رفقا نسبت به پایگاه طبقاتی رئیس جمهوری باشد. از این جهت ضروری دانستیم که بطور اجمال موضع نادرست دانشجویان پیشگام را در مورد بنی صدر و جهت گیری طبقاتی وی بررسی نماییم.

مقاله " مزبور ابتدا شمه ای از موقعیت بنی صدر را قبل از حراست ریاست جمهوری تصویر می کند. در این مورد رفقای نویسنده مقاله هیچ صحبتی از پایگاه و موضع طبقاتی بنی صدر که بخوبی از لابلای سخنرانی ها، مقالات و مصووعگیری های وی در قبال جناح های مختلف قدرت - حاکمه و مسائل گوناگون جامعه ( از قبیل مجلس خبرگان، ولایت فقیه و...) قابل تشخیص است به میان نمی آورند، اما هنگامیکه به بررسی حرکت و سمت گیری رئیس جمهوری از انتخاب شدن و بدست گرفتن قدرت می پردازند، رفقا نتایج کاملاً نادرست و توهم آمیزی را در مورد ماهیت طبقاتی، اهداف و برنامه های بنی صدر بدست می دهند.

دانشجویان پیشگام به برخورد های بنی صدر را پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری در دو حوزه " سیاست و " اقتصاد" مورد ارزیابی قرار می دهند. در زمینه سیاست در مقاله بکسری موضع گیری بها و عمل کردهای پی در پی بنی صدر ردیف شده است که تماماً " حاکی از برنامۀ سیاست جهت دار بورژوازی این بورژوازی نیرنگ با زوفریکامی باشند.

ارزیابی رفقای پیشگام از بنی صدر بر شیوه ای غیر طبقاتی صورت گرفته است و بطور فاحشی از ماهیت واقعی وی قائله دارند.

اما در این رابطه هیچ ارزیابی طبقاتی صورت نگرفته است. از آن جمله است مواضع و اقدامات بنی صدر در مورد: آزادی گروهانهای آمریکایی و استرداد شاه خائن، فراخواندن کنگره اسلامی، تهدید پرسنل انقلابی متحمن در دانشگاه، خود مختاری خلق کرد، وقایع و جنگ آموزشی های هیئت حاکمه در کنگره، ماجرای افشاکاری در باره میساجی و دستور آزادی بلافاصله وی از جاسپ ریاست جمهوری...

اقدامات بنی صدر وجهه گیری های وی که



بلافاصله پس از گزینش ریاست جمهوری مرا حاکمیت کامل یافته و تا کنون جریان داشته است و برخی از آنها را که رفقای پیشگام فهرست کرده اند ذکر کردیم همگی دال بر خطنی کاملاً بورژوازیستی بنی صدر و تلاش وی در جهت تثبیت حاکمیت بورژوازی ( و ضرورتاً سرمایه داری وابسته در ایران ) می باشند. اما رفقای پیشگام با اشاره مختصری به این کارنامه، بر افتخار رئیس جمهوری که بهتر و گویا تر از هر سندی ماهیت طبقاتی بورژوازیستی وی را آشکار می سازد به این نتیجه می رسند که: " بنده آقای رئیس جمهوری گناهی ندارم. یک روشنفکر ایده آلیست که در خارج نشسته است و فقط کتاب خوانده تا انقلاب را به پیش برد چگونه ممکن است دگمهای ذهنی اش بشکند..."

این است مهمترین شیوه تحلیل طبقاتی (!) در اینجا باید از رفقای پیشگام پرسید آیا این " دگمهای ذهنی" که رئیس جمهوری در مورد رفقای ذکر کرده نمایش گذاشته است مگر چیزی جز همان برنامه و خط مشی بورژوازی و مورد حمایت بورژوازی لیبرالها بوده است؟ پس منظور رفقا از " روشنفکر ایده آلیست" که حامل چنین دگمهایی است چیست؟ اگر منظور از این معوله همان روشنفکر بورژوازی است ( ادامه مقاله خلاف این برداشت را ثابت می کند) پس چرا صراحتاً آنرا مطرح نمی کنند و در لاف ها و مغایریم غیر طبقاتی نظیر " روشنفکر ایده آلیست" بنی صدر را توصیف می کنند؟ آیا این شیوه برخورد را میتوان شیوه مارکسیست - لنینیستی نامید؟ اتفاقاً تحلیل خود رفقا در اینجا کاملاً " ایده آلیستی" است زیرا آنها هرگز از روی واقعیت حرکت نکرده اند. گویی چشم های خود را بر روی اعمال خیانتکارانه

را از شرکت در انتخابات محروم می سازد... آری، بنی صدر را اینهمه اعمال ضد خلقی انجام می دهد و آشکارا در مقابل توده ها می ایستد و آنوقت رفقای پیشگام می نویسند:

" رئیس جمهوری وقت که ضد انقلاب به سرکوب ضد انقلاب برمی خیزد با یخچال منگوازد انقلاب یعنی بورژوازی وابسته شود یا باید راهی مخالفت خود را مخفیانه در جیب رئیس ضد انقلاب قرار دهد."

بدین ترتیب رفقای پیشگام آشکارا شخصی ریاست جمهوری را که سه پست مهم و کلیدی " ریاست جمهوری"، " ریاست شورای انقلاب"، " فرماندهی کل قوا" را در هیئت حاکمه و دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی عهده دار است، از صف ضد انقلاب مبری کرده و ما و راه آن قرار می دهند. لذا علیرغم ادعای میاژزه بالیبرالها، به آنها با داده آب تظہیر بر روی آنها می ریزند. زیرا طبق تحلیل رفقای فدائی جناح خرده بورژوازی - مرفه سنتی از هیئت حاکمه هنوز هم ضد امپریالیست است و وقتی بنی صدر را هم خرده بورژوازی حساب می آورند آنوقت بنی صدر هم ضد امپریالیست از آب درمی آید (!) و تکلیف ما روشن می شود: باید برای نجات انقلاب از آقای بنی صدر از رئیس شورای ضد انقلاب و از فرمانده کل قوا در مقابل جناح های ضد انقلابی هیئت حاکمه و در مقابل امپریالیسم حمایت کنیم! رفقای بنی صدر را نه تنها جزو سرکوبگران ضد انقلاب ( یعنی ضد انقلاب) حساب نمی آورند بلکه از وی بعنوان کسی که مخالف سرکوب است اما بنا به شرایط ویژه ناگزیر " مخفیانه راه مخالفت" خود را با امپریالیسم کرده ها " در جیب رئیس ضد

# بنی صدر در آینه جادوی رفقای پیشگام

و ضد انقلابی این " روشنفکر ایده آلیست" بسته اند.

بنی صدر در مقابل مسأله خلقها، در قبالات حرکات انقلابی پرسنل مبارز ارتش و... دم از " تسلیم زور نشدن" و " قاطعیت" کامل داشتن می زند و در کنار انقلاب دموکرات نمایی خود مرتباً تهدید و اراغ می کند و بطور موهوم، دبا نه و اغلب بطور صریح وعده " سرکوب توده ها و انقلاب را می دهد. در اولین روزهای ریاست جمهوری این مهره جدید هیئت حاکمه، خلق دلاورترکمن و دهقانان زحمتکش آن دیار به آتش مسلسل، توب و خمپاره بسته می شوند و به خاک و خون درمی غلطند و بنی صدر خائن تازه صحبت از " در صد قاطعیت" بکار برفته خود می کند! در مقابل تلو بیوتی بیشرمانه مسأله " خلق سلاح خلقها و نیروهای انقلابی را مستحکم برای کوبیدن نیروهای انقلابی قرار می دهد و در جزو خاکی می کند در حالی که فرمانده آمریکایی ارتش ضد خلقی به عنوان شاهد و ما من اجرای تهدیدهای رئیس جمهوری است در کنار خود نشانده است. پرسنل انقلابی ارتش را که در دانشگاه متحمن شده اند و به سیستم ضد خلقی حاکم بر ارتش و حاکمیت مطلق فرماندهان آمریکایی معترفند تهدید به اخراج می کند. بنی صدر ما نه و با کمال قاطعیت (!) خلق قهرمانان کرد را تجزیه طلب می خواند و بدون کوچکترین دلیلی به بهانه " ناآرامی منطقه مردم مستضعف

انقلاب" قرار می دهد. نام می برند، عجیباً! پس آنهمه عربده تهدید و اراغ بدم از قاطعیت زدن و تاکیدی بر خلق سلاح انقلابی و خلقها با نا شید صریح اعدام چهار شهید در رمنده ترکمن و تجزیه طلب خواندن خلق کرد ( یعنی مجاز شمردن و قرا هم آوردن زمینه سرکوب آنها) و غیره که رفت کسه حالا آقای بنی صدر مخالف سرکوب ضد انقلاب از آب درآمد!

سپس رفقای پیشگام که قضاوت خود را با واقعیت و عملکرد بنی صدر در تناقض می یابند با احتیاط و آنچنان که خدشه ای به شوع ارزیابی آنها از حکومت وارد دنیا پیدا دامه می دهند:

" اگرچه ما اکنون در نهایت خوش بینی ایشان را روشنفکر ایده آلیست لقب داده ایم اما چنانچه اینگونه کسه در پیش گرفته ادامه دهد، اولین روشنفکر ایده آلیست در تاریخ نخواهد بود که به ضد انقلاب می پیوندند..."

یعنی رفقا خود بطور ضمنی تأیید می کنند که راهی را که بنی صدر " خرده بورژوا" ( طبق گفته صریح خود رفقا ) می بیند راه ضد انقلاب و راه بورژوازی است اما هنوز پیوندهای این راه را جز وصف ضد انقلاب به حساب نمی آورند و در لاف ها و مغایریم غیر طبقاتی و غیر واقعیت که اگر این راه را ادامه دهد بالاخره همچون بسیاری از روشنفکران ایده آلیست

از سید اسدالله... در راه آزادی دلیلی به بهانه... ناآرامی منطقه مردم مستضعف



درسهایی از مبارزات توده‌ها



# مروری بر جنبش کارگران بیکار

به خون کشیده می شود و ناصرتوفیقیان به شهادت می رسد. تظاهرات کارگران بیکار رگمسا - نشاء توسط کمیته بهم ریخته می شود کارگران بیکار آبادان با تشکیل سندبگای کارگران پروژهای که ۱۴ هزار عضو ادبیری گرفت پیروزی بزرگی بدست می آورند. ولی مبارزات کارگران به دلیل عدم رهبری صحیح و سازماندهی خوب نتوانستند به گرفتن وام ۷۵۰ تومانی از رژیم محدود می شود. اگرچه حیلله های رژیم در دادن چنین وامی از سوی برخی از نمایندگان کارگران مطرح شد و آنها خواهان گرفتن حق بیمه بیکاری بودند ولی در جلسه ای که از نمایندگان کارگران شهر - های گوناگون تشکیل شد نمایندگان می که برای این طرح با فشاری می نمودند در اقلیت قرار گرفتند. رژیم با دادن چنین وامی اولاً چنین وانمود کرد که این پول نه جزئی از چیزی از حق کارگرانی است که در هنگام کار کردن توسط سرمایه داران - از آنها ربوده می شود بلکه ناشی از لطف و کرم هیئت حاکمه می باشد.

همچنین آنها به این وسیله در صفوف کارگران تفرقه و پراکندگی افکنده و آنها را بمشغول بر روی رودر روی رژیم قرار می دادند. رژیم از سال ۲/۵ میلیون کارگر بیکار رتتهایه ۱۲۰۰۰۰ نفر از آنها وام پرداخت. هیئت حاکمه پس از مدتی از بیکار بردن این حربه سرانجام از دادن همین وام نیز به کارگران خودداری نمود و از شهریور ماه به بعد در حالیکه تورم و گرانی روز بروز سیر روز افزونی می یافت کارگران از دریاقت همین مبلغ ناچیز نیز محروم گردیدند. همچنین

بقیه در صفحه ۸



و فروش زمین و سرمایه گذاری در امور ساختمانی سودسرازی نصیب تینخوااران و مقاطعه کاران می - کرد ما شاهروری آوری سرمایه داران این بخش بودیم و با لطمه همراه با آن بخش وسیعی از بیکاران و دهقانان رانده شده به سوی شهرها نیز جذب کار در این رشته گردیده بودند. سرنگونی بساط سلطنت و کندی نسبی سرمایه گذاری در این بخش بیکاری کارگران ساختمانی را به دنبال خود آورد.

## نگاهی کوتاه به مبارزات یکساله کارگران بیکار

پس از قیام و روی کار آمدن دولت موقت از آنجا که این دولت خواهان قطع وابستگی از امپریالیسم و بیکارگیری توده ها در ساختن یک کشور مستقل و متکی بخود نبود بیکاری سیر روز - افزونی تری یافت. فشارهای ناشی از بیکاری از - طرفی و وجود آمدن شرایط نسبی دمکراتیک در اثر رشد و اعتلای جنبش توده ها از سوی دیگر منجر به شکل گیری جنبش کارگران بیکار گردید. نخستین دستاورد این جنبش در اختیار گرفتن خانه کارگر به عنوان محلی برای تجمع و شکل کارگران - اهمیت چشمگیری برخوردار است. اگرچه گرفتن خانه کارگر در شرایط پس از قیام به نحو نسبتاً ساده ای انجام یافت ولی سیر حوادث پس از آن و بیورشهای بی پای ارتجاع برای به - تصرف در آوردن آن نشان داد که رژیم تا چه حد از تجمع و شکل کارگران وحشت دارد و برای جلو - گیری از آگاهی کارگران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. تحصن کارگران در وزارت کار در روزهای پایانی سال ۵۷ و نخستین روزهای سال جدید اولین حرکت متشکل و اعتراضی کارگران بیکار - تهران در جهت کسب حقوقشان بود. اگرچه این تحصن با پرداخت ۱۰۰۰ تومان به کارگران و دادن وعده و وعیدهایی که هیچگاه عملی نشد به پایان رسید ولی کارگران در طول مدت تحصن و برخوردهایی که با فروروسا و ناسان اوداشتند تا حدود زیادی به ماهیت واقعی آنها و نقیصه حقیقی وزارت سرمایه پی بردند. این مبارزات با رفتن کارگران و در برخی موارد نمایندگان به وزارت کار و تجمع در خانه کارگروا هیماشی و فرستادن نماینده نزد آیت الله طالقانی ادامه یافت و با تحصن کارگران در وزارت دادگستر و ادا کردن رژیم به ضبط کتبتهای نمایندگان کارگران در تلویزیون به صورت دیگری دنبال گشت. در آن هنگام ما شاهد اوج مبارزات کارگران بیکار در هفته آخر شهریور ماه همزمان با تهران بودیم می باشیم. تظاهرات کارگران بیکار در اصفهان

بیکاری لغت آشنای کارگران است بقول معروف بیکاری شتری است که بردخانه هر کارگری می خوابد. از آنجا که در نظام های سرمایه داری کارگران هیچگونه تضمینی برای ادامه کارشان ندارند و با لطمه سرمایه داران نیز سهمی در قبالت کارگران به گردن ندارند، از آنجا که در این جوامع تنها قانون کسب حداکثر سود و ارزش اضافی بر روابط میان کارگران و سرمایه داران حکمفرماست همواره خیل عظیمی از کارگران مبتلا به بیکاری می باشند. رشد تکنیک و جایگزینی ماشین در انجام کارهای نیروی انسانی، استفاده از نیروی عظیم زنان و کودکان خردسال در تولید و هرج و مرج تولید و وجود بحران های سرمایه داری از جمله عوامل این بیکاری ها بشمار می آیند.

در کشورهای وابسته نظیر کشور ما که تارویو - دنی با هزاران بنده انحصارات امپریالیستی گره خورده است بدیهی است که با هر بحران امپریالیستی و انتقال ناگزیرش به این کشورها بیکاری اولین خطری است که کارگران را تهدید می کند.

همچنین سرمایه وابسته با ورود به دهکات و اضحلال خود کفائی کشاورزی منجر به خانه خرابی و رانده شدن دهقانان به شهرها می گردد. از میان این روستائیان کنده شده از زمین تنها بخشی جذب کارخانه ها شده و بقیه در صنایع عظیم بیکاران محسوب می گردند.

رشد بیکاری که در چند ساله اخیر در ایران روبه افزایش گذاشته شده بود در جریان انقلاب و پس از قیام به میزان سرسام آوری رسید. فرار سرمایه داران وابسته در جریان انقلاب، عدم امکان امپریالیست برای سرمایه گذاری مجدد به دلیل بحرانهای موجود در کشورهای امپریالیستی و همچنین غیرقابل اطمینان بودن سرمایه گذاری ها که منجر به تعطیل بسیاری از کارخانه ها گشت باعث شده توده های وسیعی از کارگران به صفوف بیکاران بپیوندند. همچنین از آنجا که در دوران رژیم شاه خاثن بورس بازی و خرید

مبارزات یکساله کارگران درنگا هداشتن خانه کارگرنیز حاوی نکات آموزنده ای است. ارتجاع که از جمع وتشکل کارگران شدیداً هراس دارد و چندین بار خانه کارگرا بوسیله مزدوران - چماق بدست وقعه کشان از دست کارگران بیرون آوردولی آنها به نیروی اتحاد خود با تحمل آزار و نکتخه های فراوان هربار ارتجاع را وادار به عقب نشینی نمودند.

### اشکل مبارزاتی کارگران

کارگران بیکار در طی یکسال مبارزات خود ارضیه های کونا کون مبارزه از فرستادن نماینده به وزارت کار ومذاکره با وزیر کار ومعاون او گرفتند. آنها همچنین از طریق روزنامه هـا (المسئله تا حدودی که رژیم اجازه درج اخبار مربوط به آنها را می داد) وبیکارنیز از طریق سـوریهـون یا تحت فشار قرار دادن رژیم اخبار مبارزات خود و درخواست هایشان را به گوش توده ها رساندند. کارگران در پیرامون مبارزاتشان اوجند که استفاده از شیوه های مذاکره و چانه زدن با مقامات دردی از آنها دوا نخواهد کرد. آنها تجربه کردند که در مواردی که رژیم وادار به عقب نشینی شد وبیدرفت که امتیازاتی به آنها ندهد. به دلیل بیکاری شیوه های دیگر عـبر روزه از طریق محض ونظا هرات و... بود. در جریان این مبارزات دودیدگاه چپ و راست در موجوده چگونه بیکار نشیوه های مبارزاتی کارگران تحلی یافت. یکی آن دیدگاه است که مدعیان از طریق رویزونیستهای خاش فرموله بیکار گرفته می شده تحت پوشش عدم تضعیف دولت انقلابی (!!) از کارگران می خواست که تنهایی مذاکره با رژیم پرداخته وبه اصطلاح از طریق رساندن دردهایشان به گوش مقامات از آنها چاره جوشی کنند و دیدگاه چپ دیگر که نتیجه گیری مبارزات کارگران بیکار را نه در رابطه با مبارزات سراسری طبقه کارگرو در طی یک پیرویه بلکه آتی ولحظه ای می بیند. چنین سببش آنها ریشیستی خواهان تحمن های طولانی و دراز مدت با وجود نداشتن اندکی از کارگران بیکار شرکت کننده در نظا هرات بوده و خواهان بهره گیری از اشکال تروریستی نظیر گروگان گیری کارمندان وزارت خانه و... می باشد. اعمال هواداران گروه "اشرف دهقانی" در یکی از آخرین نظا هرات کارگران در وزارت کار چنین شیوه ای را آشکارا نشان می دهد. همچنین تجربه نشان داده است که تا زمانی که کارگران بیکار را هبیمایشان از خانه کارگرو شروع وبه وزارت کار ختم کرد، همچنان محدودیاتی مانده و از توده ای - تن آن جلوگیری می گردد. کارگران برای جلب رفقای بیکارشان باید جمعاً خود را در قهوه خانه ها ومیدان ها ومراکز جمع توده های کارگربیکار در جنوب شهر برگزاف کرده وبافرشتن به میان آنها وتوضیح لزوم تشکل در بدست آوردن خواسته ها - نشان آنها را با خود همراه نمایند.

### شعارها و اهداف مبارزه

شعارهای کارگران در جریان راهپیمایی ها، نظا هرات و... نشان دهنده شناخت آنها از اهمیت فریاد رانه ودغلیا زانه رژیم بود

آنها با گفتن "حرف بی است، عمل کنید، زن وبچه گرسنه حرف سرش نمی شه"، "وعده و وعیدتون نمیشه" و... نشان دادند که میان سخنان پررنگ ولعاب مسئولین با عمل واقعی آنها فرسنگها فاصله وجود دارد.

کارگران به دادن شعار در پی گرفتن کارگران بیکار برضد انقلاب - بازرگان، حرا و داره دستورات برضد انقلابی

بخوبی پرده از چهره بازرگان این لیبرال مرتجع شده وبایرغوا مفریباتی که کوشش می کنند با منسوب کردن کارگران بیکار به آمریکا واسرائیل به خفه کردن مبارزات آنان بپیرا زدوا ذهان توده هارانسبت به ماهیت واقعی مبارزه آنها که مبارزه بر علیه سرمایه داری وابسته است مشوش گردانند در دیدند. کارگران با طرح خواسته



### برضد رژیم جمهوری اسلامی به مبارزات کارگران بیکار

هیئت حاکمه همچنانکه جزآن نیزانتظاری نمی توان داشت واز ماهیت ضد خلقی آن ناشی می گردد، نشان داده است که نه می خواهد توده می توانند که به خواسته های آنها پاسخ گوید. از آنجا که رژیم خواهان قطع نفوذ امپریالیسم نمی باشد اما سا خواهان بیکارگیری این نیروی عظیم درجهت بازسازی یک اقتصاد مستقل نبوده وقادریه بسیج توده هادر این جهت نمی باشد. اگرچه رژیم تحت فشار کارگران به دادن امتیازاتی تن دادولی تجربه نشان داده است که همواره کوشیده تا با استفاده از کوچکترین فرصتی تمامی این امتیازات را با پس گیرد. هیئت حاکمه برای جلوگیری از مبارزات کارگران از کلیه شیوه ها از تطمیع و دادن رفقم های جزئی به منظور تفرقه در صفوف آنها گرفته تا سرکوب علنی وآشکار استفاده کرده است. رویزونیستهای خاش توده ای وه جهانی نیز در این رابطه علناً "به همدستی با رژیم پرداخته و وزارت کار نیز چه بابه رسمیت شناختن سندیکا های خود ساخته آنها و چه از طریق بندوبست های آشکارا آنان از وجود این خاشین به طبقه کارگرو جسته است. نمونه این عمل در اختیار گذاردن وام ۷۵۰ تومانی به رویزونیستها بود، در زمان کارگران خواهان عدم قبول این وام بودند.

### نتیجه گیری و...

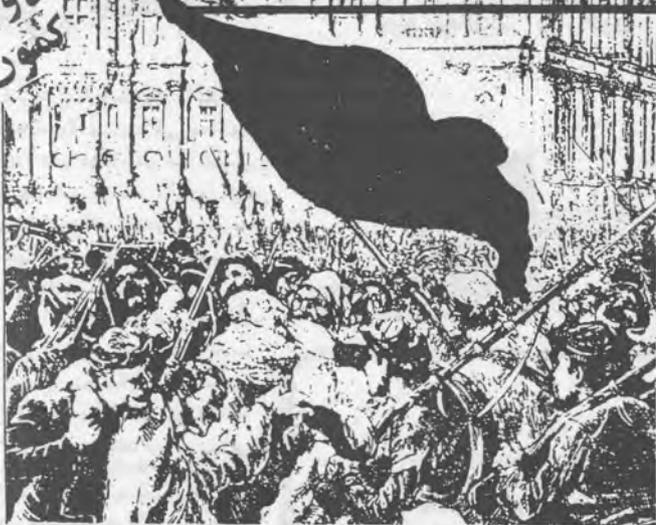
از آنجا که علل اجتماعی - اقتصادی بیاختیزی توده ها بحران سیستم سرمایه داری وابسته بوده وبیا وجود این سیستم این بحران ادامه خواهد یافت مبارزات توده ها و کارگران نیز اجتناب پذیر خواهد بود. مطلبی که توجه به آن اهمیت فراوان دارد لزوم همراهی و پشتیبانی کارگران شاغل از کارگران بیکار می باشد. کارگران بیکار باید به کارخانه هارفته وبه دیگر رفقای کارگران نشان توضیح دهند که تا زمانی که این سیستم با برجاست بیکاری خطری است که زندگی هر کدام از آنها را در هر لحظه تهدید می نماید. آنها باید بکوشند تا حمایت کارگران شاغل را از مبارزات خود بدست آورند. همچنین جمع بندی این مبارزات به مانع نشان می دهد که تا زمانی که کارگران بیکار نتوانند از طریق بوجود آمدن یک تشکیلات سراسری که قادر به جذب همه کارگران بیکار گردوده مبارزات خود را توده ای وبیکپارچه نمایند می توانند به کسب امتیازات چشمگیری از رژیم بدست یابند. همچنین این مبارزات به ما می آموزد که تنها راه رهائی واقعی کارگران از بیکاری ومناشبت آن اتحاد کل طبقه کارگربا دیگر اقشار و طبقات شرکت کننده در این مرحله انقلابیه منظور نابودی سیستم سرمایه داری وابسته می باشد و آزادی واقعی آنها در گرو اتحاد با دهقانان و کارگران سراسری و رهبری طبقه کارگربا برقرارای جمهوری دمکراتیک خلقی است.

ایجاد کاربرد سرمایه امپریالیستی وشعارهای نظیر "صانع وابسته بدست زحمتکشان ملی باید گردد" و... بخوبی تلفیق مبارزه اقتصادی خود را با مبارزه ضد امپریالیستی نشان دادند. شعارها وخواسته های کارگران بخوبی نشان می داد که مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه بر علیه سیستم سرمایه داری وابسته جدا نیست. در این رابطه نیز دودیدگاه انحرافی بروز یافت یکی بنیشتراکونیستی که می کوشد تنها خواسته های کارگران را از مبارزات سیاسی توده هایدورنگا هدارد و دیگری درک دشباله روانه ای که با عنوان کردن مبارزه ضد امپریالیستی بدون مبارزه با پایگاه داخلی آن عملاً کارگران را به زیر چتر طبقه های مطلق گشانده و خواهان مبارزه ضد امپریالیستی بگونه ای دن کیشوت وارمی باشد. نظریات رفقای فدائی پس از اشغال سفارت آمریکا که خواهان گشاندن کارگران به جلوی سفارت وحمایت بخشی از هیئت حاکمه بودند چنین بنیشتراکونیستی نشان می دهد.



# کمون پاریس: پیروزی طبقه کارگر و شکست بورژوازی

گواهی باد  
صد و نهمین سالگرد  
کمون پاریس!



لزوم درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و استقرار دیکتاتوری طبقه کارگر با  
اتکاب ارتش مسلح کارگران و دهقانان، مهمترین پیام کارگران قهرمان کمون پاریس  
خطاب به پرولتاریای جهانی بود.

" تنگ نظران آلمانی ( تنگ نظران سوسیال-  
ل دمکرات ) بازخیرا " از شنیدن کلمه  
دیکتاتوری پرولتاریا سخت به وحشت  
افتاده اند.  
بسیار خوب آقایان ! . می خواهید بدانید  
این دیکتاتوری به چه می ماند؟ —  
کمون پاریس نگاه کنید. این دیکتاتوری  
پرولتاریا بود " ( انگلس )  
حدود سه سال پیش طبقه \* کارگر پاریس برچشم  
سرخ و بیروزمند کمون را برافراشت. این درفش  
سرخ درخون کارگران و زحمتکشان پاریس غرق شد،  
بورژوازی ارتجاعی پاریس و بورژوازی آلمان -  
متحدند و با وحشیانه ترین کشتارها مقاومت  
قهرمانانه \* پرولتاریای پاریس را خنثی کردند  
و نشان دادند که " حکومت های همه \* ملت ها،  
علیه پرولتاریا متحدند ". بورژوازی جهان علیه  
طبقه \* کارگر متحد است. طبقه کارگر نشان داد  
که بیگیرترین مبارز بر علیه استثمار و ستم  
بورژوازی و دشمن خونی سرمایه داران مرتجع  
است.

کمون پاریس چه پدیده ای بود؟ این اولین  
حکومت کارگری جهان چه درسهایی به ما موخت؟  
کمون پاریس در زمانی موجودیت یافت که فرانسه  
پس از ۱۷۸۹، به چنان حدی از رشد اقتصادی و سیا-  
سی دست یافته بود که هراتقلابی در آن رخ می داد،  
مطمئنا " خصلت پرولتاریائی می داشت. علاوه بر  
آن انترناسیونال اول، سازمان بین المللی  
کارگران وجود داشت که هفت سال فعالیت آن، -  
نقود مارکسیسم برجش کارگری را بشدت گسترش  
بخشیده بود. گرچه این انترناسیونال رهبری  
کمون پاریس را در دست نداشت اما در سهای کمون  
تجربیات آن را غنای بخشید و گنجینه \* مارکسیسم  
را تکامل داد.

کمون پاریس در میان آشوب جنگ میان فرانسه  
و آلمان تشکیل شد. جنگی که در تحلیل نهائی  
محمول نظام استثمارگر فرانسه \* بنا پارتنی و -  
حکومت های اروپائی پشتیبان آن بود اما هیتسی  
ارتجاعی داشت. طرف مقابل جنگ حکومت ارتجاعی  
بیسمارک قرار داشت که سیاست محافل حاکمه پروس  
را به پیش می برد که خود بنا بر ماهیت طبقه نسی  
آنان جنگ طلبانه بود و در ادامه همین سیاست  
بود که جنگ سدافمی آلمان به یک جنگ اشغالگرانه  
از ناحیه آلمان تبدیل شد. روشن است که این  
جنگ از هر دو سو بر علیه منافع طبقه کارگر و زحمتکشا  
صورت می گرفت و تجلی تما یلات شوونیستی  
بورژوازی بود.

مارکس و انگلس این واقعیات را بدرستی بیان  
می کردند و اعلام می نمودند که طبقه کارگر  
و زحمتکشان نمی باید در این جنگها گوشه خدتم توپ  
بورژوازی شوند. از سوی دیگر آنان را اجتناب نا پذیر  
بودن تشدید مبارزه \* طبقاتی در فرانسه و امکان  
قیام انقلابی توده ها را پیش بینی می کردند  
و این امکان به واقعیت بدل شد. حکومت فرانسه  
که در جنگ شکست خورده بود، ملج تحمیلی  
بیسمارک را پذیرفت. فرانسه تسلیم شد، اما طبقه  
کارگر و زحمتکشان پاریس مسلح شد و بیادند و شجاعانه  
می جنگیدند. بدستور بیسمارک مجلس ملی در فرانسه

تشکیل شد. و حکومت " دفاع ملی " به ریاست  
تیرس خون آشام، لحظه ای در تبدیل شدن به  
حکومت " خیانت ملی " درنگ نکرد و اولین وظیفه  
خود را سرکوب و خلع سلاح کارگران مسلح پاریس  
قرار داد. با این ترتیب پس از آن خیانت خصلت  
طبقاتی جنش پاریس، که تا آن لحظه تحسنت  
الشعاع مبارزه \* " ملی " قرار گرفته بود،  
بطور واضح آشکار گردید. تضادهای میان دولت و رسای  
که تقریبا " فقط عبارت از بورژواها بود و پرولتا-  
ریای مسلح ظاهر گردید. جنگ " ملی " به جنگ  
طبقاتی تبدیل شد. اوضاع اقتصادی فرانسه سخت  
درهم بود. جنگ تمامی منابع ملی را بجز حمانه  
نا بود کرده و هزینه زندگی را بشدت بالا برده  
بود. بحران اقتصادی بیدامی کرد. دولت  
پروس غرامت هنگفتی می خواست. چه کسی  
می بایست این غرامت را بپردازد؟ مسلمانان  
کارگران و زحمتکشان. و حکومت و رسای برای  
پرداخت صورت حساب، آستینها را بالا زد. به  
جنگ کمون رفت. به زحمتکشان اعلان نبرد داد.  
بورژوازی چهره کریه خود را عریان ساخت. بیسما-  
رک و تیرس، دولت و رسای دولت پروس، با هم  
اتحادی نامقدس بستند. بیسمارک برای از بین  
بردن کمون پاریس، ارتش اسیرینا پارت را مرخص  
کرد و ارتش امپراتوری وایلم هم مستقیما " به این  
امر کمک نمود. و " افسانه جنگ ملی " رسوا  
شد. روشن شد که جنگ ملی ساخته دست بورژوازی  
است تا جنگ طبقاتی را به عقب بیا نندازد و آنگاه  
که جنگ طبقاتی آغاز شد، دولتهائی که نغمه " جنگ  
ملی " را ساز کرده اند و برای " وطن " دل می-  
سوزانند، با هم دست دوستی می دهند. چرا که  
تسلط طبقاتی شان در خطر است.  
از این رو چهره \* بورژوازی آشکار و آشکار شد  
و از آن سو طبقه کارگر، چهره واقعی خود را -  
برای اولین بار در تاریخ بوضوح نمود.

کمون پاریس با تصمیماتی که اتخاذ کرد و با  
اقداماتی که در طول عمر کوتاه و سرخ خویش انجام  
داد. خصلت قاطع پرولتاریائی را آشکار کرد.

## کمون چه کرد؟

افرادی که کمون را متشکل می کردند، مشاوران  
انجمن شهر بودند که از راه آراء عمومی در محلات  
مختلف انتخاب شده بودند و دارای مسئولیت و در هر  
لحظه قابل تعویض بودند.  
اکثریت اعضای کمون را طبعا " کارگران و نمایندگان  
گان معروف طبقه کارگر تشکیل می دادند.  
کمون پارلمان تارکسیسم فاسد و گندیده بورژوازی را  
نا بود کرد و ارگان حکومت زحمتکشان را بنا  
نمود.

ارگانی که نمایندگان مردم در آن، خود  
قوانینی را که وضع می کردند اجرا می کردند و بطور  
مستقیم در برابر انتخاب کنندگان مسئول بودند.  
کمون هم قوه قضائیه و هم قوه مجریه بود.  
ارگان مسئول و عمل کننده بود و با قاطعیت  
بزرگه کارگری، عمل کرد:

ارتش سنتی را منحل کرد و پرولتاریا، زحمتکشان  
مسلح را جانشین آن نمود. ارتش خلق تشکیل شد.  
بوروکراسی را نا بود نمود. حقوق تمامی اعضا  
و کارمندان کمون مساوی شد. مزایای معمولی  
نمایندگان مقامات عالی رتبه دولتی همراه با  
خود این مقامات حذف شد.

نقش های سیاسی و اختیارات از عهده دولت بعنوان  
یک ارگان جدا از مردم و " ماورای مردم " بدر  
آمد و بدست کمون سپرده شد. تمام موا سسات  
آموزشی مجانا " بروی خلق باز شد. و راه اعمال  
نقود کلیسا این ژاندارمی که بصورت کشیش در -  
آمده بود بکسود گردید. کلیسا از دولت تفکیک شد. کار  
شبانه شاگردان نوا ها لغو گردید. جرایم پولسی  
بقیه در صفحه ۱۸

مرکز پیاده شیراز:

### کشتار خلق ترکمن و عکس - العمل دانشجویان وظیفه

بدستال شورف جمع چهارتن از رهبران خلق - ترکمن و رسوایان چهره ، کره هشت خاکمسه مردم مین مابه همراهی سائیر نیروهای انقلابی دسه افنای این اعمال، ضد خلقی زندان زاین رو در صبح روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۶ عده زیادی از دانشجویان وطنه مرکز پیاده شیراز برای اعتراض به سرکوب خلق ترکمن توسط هیئت حاکمه و ترور فلان - شینی ۴ تن از زندگان خلق ترکمن دست به یک راهبیمائی در محوطه بادگان زندانبان از مرام صحگاه در حالیکه دانشجویان وظیفه تصمیم داشتند نظارت خود را بر آنها بگیرند، سرگرد درستی فرمانده گردان دانشجویان برای جلوگیری از این حرکت انقلابی از طرف فرماندهان خود ما موریت دانش با سرکرم کردن دانشجویان به هرنحوی که شده جلوی این کار را بگیرد ولی دانشجویان با غیورمادی های " کشتار رهبران ترکمن ، توطئه آمریکا ، توطئه ارتجاع " به اوجال صحبت رسانداده و از سائل سخنرانی خارج شدند و در محوطه بادگان راهبیمائی باشکوه خود را شروع کردند. تعداد راهبیمایان در حدود ۱۵ نفر بود آنها با کدشتن از مقابل گروهانها مابهیت ضد خلقی رژیم و جنایات وی را افشا کردند بعضی از شعارها از این فرار بود:

" ارتز و پاسداران ، با چیفتن و خمپاره ، کنبند و ترکمن رابه خاک و خون کشیدند " ، فاشیستهای جیره خوار ، اعمالتان محکوم است " ، پرسنل مبارزیداراست ، ازواسته بیزاراست " ، " - ساواک ، سیا ، مرتجعین - نه دشمن مبارزین " " شهید در راه خلق - تو ماچ و پاران اوست " ، " - کشتار رهبران ترکمن - توطئه آمریکا و ارتجاع " " جنایت کردستان در ترکمن تکرارند " ، " ای شهید - ای ترکمن ، قسم بخون پاکتان که می روم به راهبان ، خلق دلیر ایران می گبورد استغمان " ، " ترکمن ، ترکمن شورا حق مسلم توست " ، " پاسدار ، مرتجع قاتل فرزند توست " آنها سارایان راهبیمائی در میدان صحگاه طعامه خود را خوانند که در آن ضمن اشاره به جنایات رژیم در کردستان و ترکمن صحرا سرکوب و قتل ناخوانمندان رهبران سنا د خلق ترکمن توسط عوامل امپریالیسم محکوم شده بود ، پس از خواندن طعامه جمعیت سرود " خلق ترکمن " را دسه جمعی خواندند و سپس پراکنده شدند .

رژیم پس از دست زدن به سرکوب خلق ترکمن ، در کردستان نیز در صد جنگ افروزی است . سیاستهای جنگ افروزان رژیم را علیه منافع خلقهای دلاور ایران و کارگران و زحمتکشان ،

افشا کنیم .

آرشینو اسناد

### سفارت جمهوری اسلامی یا اداره پلیس فاشیست فرانسه !؟

بار دیگر چهره کریمه ارتجاع از پرده بیرون افتاد .

امروز چهارشنبه ۵ مارس برابر با ۱۵ اسفند ما دانشجویان ایرانی - بمنظور محکوم نمودن عملکرد های سفارت ایران در فرانسه و " دعوت " سفیر ایران از پلیس فاشیست فرانسه جهت سرکوب دانشجویان در دوشنبه گذشته ، و اعلام خواستهای خود - دایر بر تشکیل شورای منتخب دانشجویان جهت انجام و نظارت در امور دانشجویی به کنسولگری ایران در پاریس مراجعه نمودیم .

در بدر ورود کنسولگری ایران که میباید به امور دانشجویان رسیدگی کند با بستن درب کنسولگری و سفارت مانع از ورود دانشجویان و سایر مراجعین به آنجا شد که با پافشاری و همبستگی دانشجویان مجبور به کشیدن آن گردیدند ولی پس از مدتی بار دیگر نمایندگان جمهوری اسلامی همچون سایر سردمداران دنیای فاشیستی که جهت سرکوب توده ها بسیج شده اند تمایل به پلیس فاشیست فرانسه گردیده و اینبار نیز با سلب مصونیت سفارت جهت سرکوب دانشجویان آنان را به داخل سفارت فرستادند . گارد های سرکوب فرانسه با توسل به زور ما را از سفارت بیرون ریخته و در این میان دو تن از دانشجویان مبارز ایرانی را که همیشه همدوش سایر دانشجویان در مبارزات ، افشاگری ها و تظاهرات ضد امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان ایرانی خارج از کشور شرکت داشتند را دستگیر و زندانی نموده است و عده ای دیگر را زنجیر که یکی از آنان دچار صدمه از ناحیه قفسه سینه گردیده و هم اکنون در بیمارستان بستریست .

آری ! این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب توده ها از هیچ کوششی فروگذار نمیکند ( حتی از توسل به پلیس فاشیست فرانسه امپریالیستی ) ولی هیچ گاه نخواهند توانست جنبش انقلابی خلقهای ایران را سرکوب نمایند .

ما با همبستگی هر چه بیشتر خود برای احقاق خواستهای برحقمان بعنوان بخش کوچکی از جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران هیچگاه از پای نخواهیم نشست . لذا خواستهای خود را در این مرحله بدین شرح بار دیگر اعلام مینمایم :

- ۱ - دولت جمهوری اسلامی موظف است این عملکود های ضد خلقی نمایندگان خود را توضیح دهد
- ۲ - آزادی و اعاده حیثیت از دانشجویان مبارز دستگیر شده .
- ۳ - تشکیل شورای منتخب دانشجویان جهت انجام و نظارت بر امور دانشجویی .

هر چه گسترده تر باد مبارزات خلقهای ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم !

هر چه پرتوان تر باد همبستگی دانشجویان مبارز و ضد امپریالیست !

پیش به سوی تشکیل شورا های دانشجویی !

دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۵۸

۵ مارس ۱۹۸۰

### برخورد نیروهای دانشجویی به مسئله سرکوب ...

دادگاههای ضد انقلابی رژیم بحرم دفاع از منافع خلق محکوم شده و شهادت رسیدند ، اعتراض کرده بودند و این عمل را خارج از محدوده " منقوسی ! فعالیتهای دانشجویی ارزیابی نمودند . بنا بر این طبیعی است که تحریم کلاسها و اعتراض به جنایات ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا هم در چنین محدوده ای نمی گنجد ، عملکرد دانشجویان با ملاحظه دمکرات در درون جنبش دانشجویی ، به منابه " سدی در مقابل حرکت های پیشرو و مترقی دانشجویی است . منفرد نمودن آنان در درون - دانشجویان وظیفه ، تمامی نیروهای مترقی دانشجویی ، بویژه کمونیستها و کامی درجهت ارتقاء ، دمکراتیسم جنبش دانشجویان انقلابی است ، دانشجویان رویزیونیست به جهاتی هم با رومدیکار دانشجویان با ملاحظه دمکرات در زمینه اختلال در حرکات مترقی دانشجویان هستند .

البته بعینت نیروی ناچیزی که در دانشگاه دارند ، میدان عملشان گسترده نیست روشن است که

اجتمهای اسلامی دانشجویان ، مثل همه موارد مشابه ، با انتشار بیانیه های ارتجاعی در اینجا و آنجا ، به تاء بیدسیاستهای ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا پرداختند .

همانگونه که در آغاز گفتیم ، برخورد هر یک از نیروهای دانشجویی به این رویداد ، مواضع و بینش آنان را بیشتر و بیشتر روشن می کند . اما علیرغم اخلا و کاررنگنی های رویزیونیستها و مرتجعین ، علیرغم کامل نبودن وحدت نیروهای انقلابی و مترقی دانشجویی در این زمینه که می توانست بر اساس مواضع کلی آنان و توافق مشترک آنان در زمینه " ضد خلقی بودن این جنایت آنکار ، در جهار جوب منحصی ، صورت پذیرد . آری ، علیرغم تمامی این مسائل ، دانشگاه در برخورد به این جنایت ضد خلقی رژیم خروشید ، فریب داد زد و افشا کرد .

از جمله زووع شونده جزوه " اتحاد ، مبارزه بهروزی (

# تحلیل یک رویداد دانشگاه

چنین عملکردی ، با یادآور عملکرد آنان در قبال مسائل کردستان و اعمال ضد خلقی هیئت حاکمه در قبال خلق دلاور گردید . اینگونه برخورد انفعالی به مسائل خلقها و سیاستهای ارتجاعی هیئت حاکمه ، صرفنظر از آنکه از جانب چه نیروی سیاسی انجام بگیرد ، و خاصه زمانی که از جانب نیروهای مترقی انجام بگیرد . عملاً آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع داخلی خواهد ریخت .

## ج - دانشجویان مبارز و دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر:

شکل ما ، علیرغم انتقاداتی که به حرکت

این عمل مشخص ، یعنی تحریم کلاسها به سبب اعتراض به یک عمل ضد خلقی و ضد دمکراتیک رژیم ، با توافق سایر نیروهای مترقی دانشجویی که چنین حرکتی را ناشی می کردند دست به عمل بزنند . آنان می بایست در این زمینه یک اقدام مشترک انجام دهند در این صورت روشن می بود که آنان به مواضع خویشی پای بندند و از آن حرکت می کنند . اما چنین نشود و خود این مسئله نشان می دهد که دانشجویان پیشگام از مواضع گفته شده و نوشته شده خود عملاً دفاع نمی کنند و با زبان ساده تر مواضع گویا برای بحث و نوشته ها دست و عمل چیز دیگری است . درست است که ما و برخی دیگر از نیروهای مترقی دانشجویی عملاً و نظراً از این حرکت دفاع فعال نمودیم . اما اعتقاد داریم که اتخاذ این گونه مواضع غیر اصولی

گننا رفیع رهبران ستاد خلق ترکمن ، یکی اری برده سرب اعمال ضد خلقی هیئت حاکمه سود که چهره رژیم را عریا شتر کرد . این جنایت سرمانه ، نفرت و کینه بسیار برانگیخت تا آنجا که هیئت حاکمه نیز بدست و با افتاد و بسا عدولفمن گوئی ، برایشی مناظره و ... کوشید سا کریبان خود را از مسئولیت بزرگ این فاجعه خلاص کند و نقاب دمکراسی بر چهره زندحتی مذبوحا - به کوشش ندنا نیروهای انقلابی بدنام شوند . اما هر دو غی که گفته شد و هر فریبی که بکار برده شد ، منت رژیم را بیشتر از زگرد و بارزتاب آن ، نفرت و کینه افزونتر بود .

این عمل ضد خلقی طعناً " دردناک نگاه انعکاس وسیعی یافت . غالب گروههای پیشرو دانشجویی در قبال آن ساکت ننشستند . بیانیه نوشتند - از طریق مینستک و راهیمائی به اعتراض پرداختند و در باره این جنایت هیئت حاکمه افشاگری نمودند .

آنچه که مسلم است موضع گیری در قبال این رویداد از سوی گروههای دانشجویی از زاویه سنجش و چگونگی نگرانیان صورت گرفت . بررسی برخورد نیروهای مختلف دانشجویی به این رویداد خود این بینش را روشن تر می کند و یاری می نماید که به شناخت بیشتری از ماهیت آنان دست یابیم . با چنین هدفی به بررسی این برخورد های برداریم :

## برخورد نیروهای دانشجویی به مسئله سرکوب خلق ترکمن ،

دانشجویان پیشگام وارد بود . بنا بر ویژگیها انقلابی خویش از تحریم کلاسها و تمام می نظا هراتی که از جانب دانشجویان پیشگام برگزار شد فعلاً لانه حمایت نمود . علاوه بر آن ، ما از تمامی امکانات خویش یاری گرفتیم و با تمام توان خود کوشیدیم که هیئت حاکمه را در رابطه با این عمل ضد خلقی ، هر چه بیشتر افشا سازیم . دانشجویان مبارز " نیز در این زمینه فعالانه حرکت نمودند .

آنهمه حرف و سخن از دمکراتیک بودن انقلاب ایران ، لزوم وحدت نیروهای مترقی دانشجویی در مقاطع مشخص که به اصول لطمه نزنند و ... در عمل اجرا را - دانشجویان پیشگام فاقد ارزش بوده و آنچه که آنان تکیه کرده اند ، کمیّت و صرفاً " فاکتور نیرو است .

## الف - دانشمندان پیشگام:

دانشجویان پیشگام در این زمینه فعالانه سبب افشاکری شدند . گرچه سمت و سوی این افشاکری رکت از مواضع سازمان جریکهای فدائی خبر آنها جناحهایی از هیئت حاکمه را نشان می گرفت و کل رژیم ضد خلقی را مورد سؤال قرار نمی داد که خود توهم زا و انحرافی است ، با اینهمه دانشجویان پیشگام بطور موثقت آمیزی در زمینه این جنایت هیئت افشاکری کردند و این عمل ضد خلقی را هر چه ستر ، رسوا کردند . ما در اینجا قصد داریم به تحلیل مواضع سیاسی - شعوریک آنان در این زمینه بپردازیم . ( اگرچه این مسئله بسیار حساس دارد و باید در جای خود به آن برخورد کرد ) .

آنچه که بیان آن در محدوده این نوشته ، مورد نظر ماست ، چگونگی برخورد آنان به سایر نیروهای مترقی دانشجویی در این رابطه است . دانشجویان پیشگام در رابطه با اعمال و احساسهای ضد خلقی رژیم در ترکمن صحرا و اعتراض به کشتار ۴ تنی از رهبران ستاد ( مرهنگی - ساسی ) خلق ترکمن ، دست به تحریم کلاسها زدند . از آنجا که دانشجویان پیشگام در نوشتههای خود وحدت عمل نیروهای مختلف دانشجویی را در مقاطع مشخصی منظور آن است که به اصول لطمه نرسد ) حواسمانده اند و آن را کاملاً در جهت " ارتقا " دمکراسیم حساس میدانند و این مسئله را اساساً برای سر آورد کرده اند . طبیعتاً ما بایست تا حد امکان در مواضعی در زمینه

از جانب دانشجویان پیشگام که سوابق دیگری هم دارد ، قابل انتقاد است و بیرونی عدم تکیه آنان را بر اصول مورد ادعای خود نشان می دهد و آشکارا " بیان می دارد که آنهمه حرف و سخن از دمکراتیک بودن انقلاب ایران ، لزوم وحدت نیروهای مترقی دانشجویی در مقاطع مشخص که به اصول لطمه نزنند و ... در عمل اجرا سبب دانشجویان پیشگام فاقد ارزش بوده و آنچه که آنان بر آن تکیه کرده اند ، کمیّت و صرفاً " فاکتور نیرو است . آنچه که به زبان ساده تر به آن انحصار طلبی می گویند و شیوه ای که دانشجویان پیشگام عمدتاً " بر اساس آن حرکت می کنند و در عمل لطمه زیادی به وحدت و یکپارچگی و جنبش دانشجویان انقلابی می زند و خواهد زد .

## ب - انجمن دانشجویان مسلمان:

دانشجویان طرفدار سازمان مجاهدین خلق ، در این زمینه حرکت فعالی نمودند ، آنان در واقع درحالی که رویداد ایستاده و نظاره گر بودند و تا آنجا که ما در اکثر یادنگده ها شاهد بودیم : حتی سابقاً مستقل نبودن این رابطه نبودند . و تنها به تبلیغ بیانیه سازمان معاهدس خلقی در این زمینه اکتفا کردند و واقع می توان گفت که سیاسی کاملاً " دیپلماتیک " در این رابطه اتخاذ نمودند .

## د - رویز یونیستها و سازشکاران:

عملکرد دانشجویان با اصطلاح دمکرات در درون جنبش دانشجویی ، بمثابة " سدی در قبال حرکت های پیشرو و مترقی دانشجویی است ، منفرد نمودن آنان در درون دانشجویان و طبقه " تمام می نیروهای مترقی دانشجویی ، بویژه کمونیستها و کامیسی در جهت ارتقا ، دمکراسیم جنبش دانشجویان انقلابی است .

ابعاد جنایت آنقدر گسترده و آشکار بود که هما نظر که در پیش گفتیم ، هیئت حاکمه را نیز درین بست قرار داد و رژیم بایستی شرمی می کوشید تا در این زمینه از خود سلب مسئولیت کند . رویز یونیستهای خاش برخلاف همیشه در قبال این جنایت آشکار موضع گرفتند . البته از زاویه خویش و بر اساس مواضع ضد خلقی خودشان آنان خواهان مجازات عالمین واقع ( ! ) شدند . اما طبیعی است که روشن نکردند این عالمین همان هیئت حاکمه است ! . دانشجویان " دمکرات " ( هوادار حزب توده ) نیز طبعاً " بدنیست " مردم داران خویش همین مواضع را احسار نمودند . اما تعجب آور نیست که در تحریم کلاسها شرکت نکردند . آنها فعلاً نیز سترنامه به سر نامه ای که از جانب کوهنوردی دانشگاه صادر و در فضای پسند احسن ناهید و شهریارا هند که در کردستان در شنه درصعد



# نقد فیلم

## نگاهی به فیلم «نسل ازدها»

### وسینماگران بورژوازی، به انقلاب خالقها چگونه می نگرند؟

مسئول حزبی از درک این مسئله عاجز که دهقانان وابسته زمین، به آسانی حاضریه ترک زمین نیستند و برای چاره کار حکم می کند که "بیسر بانالها" باید اعدام شوند!! . ممکن است این شبهه پیش آید که کارگردان میخواسته یک فرد آنا ریشتم را هم در فیلم نشان دهد حال آنکه دیگر اعضای حزب نیز دچار اید آلایسم و - رمانتیسیم بوده و تنها از چیزی که خیری نیست از عنصر واقعاً "آگاه پرولتری" است.

دیده میشود آنجا که باید تفهیم صبورانه، تاکتیک حزب به توده ها کار ساز باشد، کار توضیحی با آه و ناله رمانتیک زن جوان در برابر پیر مرد که به نوعی باعث درماندگی و خضوع وی می شود، به آتش زدن خرمن توسط او و به طور خود بخودی توسط زحمتکش دیگر می انجامد. سازنده فیلم شایسته نقش کارگران مهاجر را به عنوان پیشتاز جبهه مقاومت مسکوت می گذارد و این عناصر آگاه در موقع عبور از ده به هیچ وجه کار توضیحی انجام نمی دهند و اما "طبقه کارگر پیشروترین طبقات و اقشار به طور مستقل دیده نمی شود.

به همسر و ولی ان بیخون جزئی از ارتجاع برخورد نمی کرده و بدون هیچگونه کار توضیحی روی وی و بدون اینکه او به مثابه فردی که بر علیه انقلاب عمل می نموده اس ارزیابی شود. در صف خلق راه داده می شود و همه اینها بر مبنای عواطف خانوادگی است.

۵- در "نسل ازدها" فرمانده "بزرگ (مائو تسه دون) چون عنصری افسانه ای در پشت کوهها و بیشتر به مثابه یک منجمی اسطوره ای انسانها معرفی میشود. خیر! این طبقات استعمارگرند که همواره خواسته اند به حاکمان زمینی وجهه ملکوتی دهند تا در قالب توهم توده ها نسبت به این حکام به غارت دسترنجان بپردازند. رهبران پرولتاریا از جوشش توفنده "مبارزه" طبقاتی بر میخیزند سلاح بدست می گیرند و میجنگند و شهید میشوند. این گونه برخورد به رهبران جنبش انقلابی بی تراوش منز علیل و محدود بورژوازی است که تنها چارچوب سنگ خویش را دیده و دست اجتماع و دینا میم درونی آنرا نمی فهمد و نمی خواهد بفهمد.

ماکلیه "انحرافات فوق رانه در رابطه با حزب کمونیست چین به رهبری رفیق ما توتسه دون در هنگام جنگ ضد ژاپنی بلکه دقیقاً به خاطر دید سرمایه دارانه "سازندگان فیلم می دانیم اگرچه از دوستان "انجمن دانشجویان مسلمان" انتظار برخورد مارکسیستی به مسئله نیست. علیرغم توضیحات مختصر آنان دایر بر بعضی انحرافات فیلم که برای بینندگان داده شد. به نظر ما در شرایطی که فیلم های مناسب بسیار است. شما - پیش چنین فیلمهایی در اوضاع فرهنگ ارتجاعی بورژوازی "مؤ" شربوده "زبان شیروهای انقلابی گناهی نابخشودنی است، طبیعی است که ما چنین انتظاری را از رفقای بیگناه دوستمان

بقیه در صفحه ۱۶

متضاد طبقاتی ارزیابی می کند. پس چگونه است که دوبی ان دلشربه "رحم" می آید؟ آیا این حیل خلع سلاح خلق در برابر خلق نیست؟ آیا این مفهوم بورژوازی "انسان دوستی" نیست؟ ۴- دیالکتیک مارکسیستی عشق و کینه رانه به شکل انتزاعی بلکه در تضاد لاینفک دیده و این دو مقوله را هرگز جدا از هم ارزیابی نمی نماید. مارکسیستها (چه زن و چه مرد) علیرغم عشق عمیق خود به خلق سرشار از کینه طبقاتی نسبت به دشمنان خلقند. لذا نا بودی دشمن طبقاتی نه تنها باعث ندامت آنان نمی شود بلکه احساس شغف و پیروزی کامل بر دشمن را تقویت مینماید. چنین (قهرمان زن فیلم) بعد از کشته شدن ودلی ان - خاش احساس گناه می کند و اظهار می دارد که احساس زنانه اش را از دست داده است. چه عاملی اینچنین نقش شکنندگی و لطافت بزن میدهد؟! مگر زن جز در حیطه "طبقات اجتماعی مطرح است؟ مگر آن دختر روستایی که از خون و زندگی خود مایه میگذارد و زحمت می کشد میتواند به استعمارگران خود کینه و خشم مقدس نداشته باشد؟ خیر! کینه مطلب در ابتدال فرهنگ بورژوازی حاکم بر فیلم نهفته است. از آغاز فیلمماز جوان هم انتظار نیست "از کوزه همان برون تراود که در اوست" ۴- "نسل ازدها" رابطه "حزب و توده را بنیاد انحرافی جلوه می دهد. حزب پرولتاریائی همواره روی توده های زحمتکش تاکید دارد حال آنکه در اینجا بیکار عمل در دست عناصر مرفه ده سپرده میشود. این زحمتکش هستند که **مفهمر** **خلافت** و سازنده "تاریخ اندنه ریش سفیدان، این حزب پرولتاریائی است که قادر است بار هممودهای انقلابی خود توده ها را بسج کندنه مواظ کثیش مآبانه.

مارکس خاطر نشان می سازد که: "اندیشه، انقلابی وقتی به درون توده ها برود سه نیروی مادئ" خواهد شد"

آری این درک منافع طبقاتی است که بعنوان شرط کافی برای ایجاد حرکت انقلابی عمل می کند. "نسل ازدها" با تحریف این اصل مسلم حرکت انقلابی توده عا را بر مبنای احساسات فردی و عواطف خانوادگی قرار می دهد.

دهقانان زحمتکشی که از هر طرف تحت استعمار امپریالیسم قرار دارند و بنا به خلعت طبقاتی شان دایر بر مالکیت قطعه ای کوچک از زمین که تمام آمال زندگی خود را در آن می بینند به سادگی حاضر به ترک و نابود کردن محصول کارشان نیستند.

درست هم اینجاست که نقش تاریخی عنصر آگاه در رابطه با توضیح بسیار دقیق و صبورانه برای - متقاعد کردن این زحمتکشان به انجام تاکتیک صحیح حزب، که در ارتباط ارگانیک با توده ها مفهوم پیدا می کند از جانب فیلمساز برده پوشی میشود و در عوض حرکت آنرا ریشستی و چپ روانسه و بظا هر کمونیستی یکی از فرزندان لینکتون ستود ان کار توضیحی و نمادین کرد. وی بعنوان یک

هفته، گذشته از سوی دوستان "انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد" فیلمی ارائه شد با نام "نسل ازدها". محتوی فیلم که راجع به جنگ آزادیبخش خلق چین بر علیه امپریالیسم ژاپن می باشد جای بحث فراوان دارد. لذا هر چند مختصر مژوری بر آن ضروری است.

بورژوازی جهانی، در جدال خود علیه پرولتاریا و خلقهای تحت ستم تنها به سرکوب مستقیم طبقاتهای سرکوبگرانه اش، ارتش، پلیس و... قناعت نمیکند. بلکه همواره تلاش در اعمال نفوذ بر فرهنگ توده های تحت ستم و خالی نمودن محتوای انقلابی مارکسیسم - لیننیسم، این یگانه سلاح رهایی بشریت از یوغ استعمار و بردگی مزدوری کرده و بدین ترتیب امانت انقلابی آنرا از آنگونه جلوه، گرمی سازد. بویژه که امروزه در افریقا و اروپا و شرق آسیا حزب کمونیست شوروی و - چین، این رسالت سنگین را اغلب خائستین رویزیونیست و مرتد عهده دار شده اند.

"نسل ازدها" ساخته "جین مورفین فرانسوی نمونه بارز لوث کردن مبارزات انقلابی توده های قهرمان خلق چین است که توسط بورژوازی جهانی انجام شده و متأسفانه توسط یکی از شیروهای انقلابی (انجمن دانشجویان مسلمان) در جهت اشاعه این ابتدال فرهنگی اقدام شده است. ما تلاش می کنیم با باز کردن چند مورد از انحرافات فیلم به این دوستان هشدار دهیم که در انتخاب فیلم دقت بیشتر مبذول دارند.

۱- "لینکتون" قهرمان فیلم در موقع از دست دادن دونه اش، به جنگ در شکل عام لعنت می فرستد و همه "مصیبتها" بدبختیها" راناشی از جنگ میداند. چنین برخوردی به مسئله جنگ نادرست و انحرافی است. چرا که جنگ هم میتواند انقلابی و هم ضد انقلابی باشد. امپریالیستها برای تقسیم مجدد جهان و غارت هر چه بیشتر خلقها - جرم جنگ های امپریالیستی را آغاز می کنند و - لبقه کارگرو توده های ستمدیده باید که پاسخ بنین جنگی را با جنگ انقلابی و عادلانه بدهند. فیقما توتسه دون می گوید:

"با انقلاب (جنگ داخلی) جلوجنگ (امپریالیستی) را میگیرد و با جنگ خود به انقلاب می انجامد."

با این وصف نسی جنگ به طور کلی وبدون توجه به محتوی طبقاتی آن برخوردی متافیزیکسی ست که از جانب بورژوازی و نوکران وی تبلیغ میشود.

- در سرتاسر "نسل ازدها" ارتجاع داخلی بورژوازی بزرگ و فئودالها) نه مثابه پایگاه امپریالیسم (ژاپن) که منافع تنگاتنگی اهم دارند ارائه نمی شود بلکه "دولی ان" تنها شکل جاسوسی تجلی میکند که حتی در قبال شمنان خود (انقلابیون) به خاطر رابطه های امیلی دچا رعواطف می گردد. چنین برخوردی به خاص طبقات انسان را به یاد آنرا رویزیونیستی جوخرای "سینماگر شوروی، دایر بر اشتیاقات متخاصم می اندازد. شاه خاش بنا بر منافع بقاتی خود حتی از کشتن برادرش "خاشی" نمیگذرد تازه اینها همه در صف ضد خلقند چه رسد به اینکه شمنان طبقاتی باشند. فرهادپا شاه اشکانی مام خانواده خود را برای جلوس بر تخت سلطنت ی کشد و از این نمونه ها در تاریخ فراوان است.

مارکسیسم دشمنان طبقاتی رانه با استیوار و ردعاطفی می مابین بلکه بر مبنای منافع

# بیکاری، لکه ننگی بر دامن رژیم سرمایه داری وابسته



زحمتکشان اتحاد " این رفیق کارگر بخوبی لزوم اتحاد بین کارگران شغل و بیکار را یاد آور شد. همین بین خیر دستگیری چند کارگر بوسیله پاسداران داده شد و کارگران یکمدا شعار " کارگر زندانی آزاد با یادرود و همچین " مرگ بر ارتجاع " تکرار شد.

وبعد " کارگر دیگری در ارتباط با خانه کارگر گفت که بعد از اینکه خانه کارگر را از ما گرفتند دیگر جایی را برای جمع نداشته ایم ما می که تمام ساختمانهای این شهر را ساخته ایم حالا باید در گوشه خیابان جمع شویم و حرفامون رو اینجاس بزنیم ، ما باید سعی کنیم محلی را برای جمع اجاره کنیم تا مشکل تربیتو اتیم خواستهای خودمان

رژیم جمهوری اسلامی در این یکساله گذشته بخوبی نشان داده است که گذشته از آنکه گامی در جهت زحمتکشان مین بر نداشته است بلکه هر روز بهانه ای دست به سرکوب آنها می زند. امروز چیزی که پایه های این رژیم را بریزد لرزه در آورده است بحران اقتصادی می باشد که این رژیم قادر به حل آن نیست و مجبور است نمودهای آن را به هر شکلی که شده است سرکوب کند یکی از مشکلاتی که از فردای قیام تا به امروز کربانانگیر هیئت حاکمه بوده است مسئله بیکاری است و چنانکه بعد از گذشت یکسال هنوز هم زحمتکشان مادر گوشه و کناره شهر اجتماع کرده و از بیکاری فریاد بر می آورند در روز سه شنبه گذشته (۱۲ اسفند) با زهم کارگران بیکار در میدان راه آهن جمع کرده و دردی را که از اعصاب وجودشان سرچشمه میگرفت برای دیگر زحمتکشان با رگومیکردند چنانکه در ابتدا یکی از کارگران زحمتکش از در بیکاری و فقر و فلاکت خود صحبت کرد و بعداً " اضافه کرد: " برادران زمانی که ما کسب با سید و غذائی برای خودتان نداشته ساندیم کرمار هسند یا فکران ؟ که جمعیت یک ملکیت : " تا آن وقت منت محکمی بود برده هان آنایکه انقلاب را برای دین می داشتند . بعد کارگر دیگری شروع به صحبت کرد: " علت بیکاری وابستگی سیستم اقتصادی به آمریکا می باشد و دولت اگر ما بپرسد چه کند به اومی - تویم که صنایع و کارخانه ها باید ملی شود و آن وقت ما حاضریم بجای یک شیفت چندین شیفت کار کنیم . امروز یکسال و چندی از قیام می گذرد و ما فقط از انقلاب بیکاری آن را دیدیم و امروز اگر شکل نداشته باشیم هیچ کاری را از پیش نمیبریم و امروز این عوامل آمریکا هستند که نمی خواهند ما متحد باشیم و با زهم اسیر یک مشت مفت خور باشیم . در این موقع شعار " مرگ بر آمریکا ، مرگ بر ارتجاع " با صدای رسا و با مشت آهنین بلند شد . بعد کارگر دیگری شروع به صحبت کرد و در رابطه با ماهیت دولت دست به افشاگری زد و مطرح نمود که : " اینها ( هیئت حاکمه ) همه ما را آمریکائی میدانند و دولتی بخوبی معلوم شد که آمریکائی کیست تا زمانی که دولت مال کارگرها نباشد تا زمانی که قانون بدست ما نبوده نشود چنان استثمار می شویم چون هر دولتی که بر روی کار بیاید حاکمی یک طبقه است و دولتی که در مجلس " خبرگانش " حتی یک نماینده واقعی کارگران نیست چگونه می تواند حاکمی منافع ما باشد در حالی که همین دولت به مجامع ماحمله میکند و از به رسمیت شناختن ما می هراسد . از این موقع بوسیله جمع با شعار " نان ، مسکن ، آزادی - شعار زحمتکش " با شوری خاص تکرار شد.

## استقبال زحمتکشان از نماینده واقعی خود :

خطاب یک زحمتکش دلیر به علی عدالت فلم : از هیچکس نترس ، هر چه می خواهی بگو ، چون دردتو ، درد همه ما ست !

روز چهارشنبه ۲۲ اسفند علی عدالت قسام یکی از کاندیداهای مجلس شورای ملی و نماینده کارگران بیکار به نمایندگی از زحمتکشان در دروازه غار گودرسولی سخنرانی داشت و این میتینگ انتخاباتی به منظور غنی تر کردن آگاهی توده ها و روشن شدن هدف کمونیستها از شرکت در مجلس بورژوازی بود. ابتدای یکی از زنان زحمتکش گودرسول به صحبت کرد و می گفت که شوهش ۸ ماه بیکار است و از بیماری اعتیاد در رنج است به جاهای مختلف مراجعه کرده است مثل کمیته ها و قلم ... و چیزی عایدش نشده است و میرترین مسئله اش بخاطر نزدیکی عیدداشتن بول مختصری می باشد و در ادامه صحبتهاش گفت که چون سردمداران این دولت سرمایه داران هستند اینها برای این درد ما را نمی دانند بعد از صحبتهای این زن رنج دیده سرود کارگر بخش شد و مورد استقبال قرار گرفت و بعد عدالت قسام شروع به صحبت کرد و در خصوص بیکاری مسائلی را مطرح کرد و گفت : اینها ( هیئت حاکمه ) هوش می گویند صبر کن صبر کن کارگری خواست صبر کن و وقتی میرفت به خانه و میدید که بچه هاش و زنش غذا ندارند لباس ندارند دیگر نمی توانست صبر کند. انقلاب کردیم ولی حالچی شده ۱۵ ماهه بیکاریم همه چیز کورونه و با این بیکاری ما چه کنیم صبر انقلابی داشته باشیم : ۴ میلیون کارگر بیکار هر کدام با یک زن و بچه ۱۲ میلیون بیکار یعنی ۱۲ میلیون گرسنه کسی که از " آبا " و اجداد خان زاده باشد چه جوری دردمار ما میفهمد بنا بر این از این دولت و این رژیم نباید انتظار داشته باشیم که کار ما را بهبود بخشد زیرا این ها میوه چنان انقلاب هستند و هیچگاه در حرکتی مردم زحمتکش نقشی نداشته اند.

بعد در قسمتی از صحبت هایش بخوبی تضاد طبقاتی موجود را در جامعه مطرح کرد و با مثالهایی بخوبی این تضاد را برای زحمتکشان بازگو کرد رفیق عدالت قسام مطرح کرد، دروازه غار با ۵ هزار نفر جمعیت چندتا بیمارستان دارم مطمئناً به ۵ تا هم نمی رسد ولی تجریش با ۱۱ هزار نفر جمعیت بیشتر از ۲۸ بیمارستان دارد و در این قسمت در مورد ماهیت مجلس صحبت کرد و می گفت این مجلس برای تشبیت قوانین سرمایه داری و حفظ و تحکیم وابستگی های آمریکا است ولی ما که برای تشبیت این قوانین به مجلس نمی رویم بلکه در مجلس آرام نخواهیم نشست و دست به افشای این مجلس و ماهیت آن می زنیم ما نقش فزولباشی زحمتکشان را در میان سرمایه داران ایفا خواهیم کرد.

در این موقع صدائی همه را متوجه ساخته و تشنجی در جمع ایجاد شد که یکی از مردان زحمتکش گود خطاب به عدالت قسام گفت : از هیچ کس نترس هر چی می خواهی بگو چون دردتو درد همه ما ست که در این موقع جمعیت با دست زدن احسانات خود را نشان داد و همه یکمدا شعار درود بر کارگر را میدادند

عدالت قسام در این قسمت از صحبتهاش بر نامه خود را که تا مین رفا و درمانگاه ، اتوبوس ، اسفالت و ... و دیگر وسایلی اولیه زندگی مردم بود مطرح می کرد و مورد تشویق جمعیت قرار می گرفت که با دست زدن های پیاپی بر نامه های او را تائید می کرد

و در قسمت آخر رفیق عدالت قسام گفت : " ما برای احقاق حقوقمان می جنگیم و حتی برای گرفتن آن کشته می شویم " و به درستی به توده های زحمتکش نشان داد که راه آنها انقلاب است نه پارلمانهای بورژوازی .

و بعد از قسام بخوبی ماهیت هیئت حاکمه را به زحمتکشان گودرسول میداد و بخوبی یاد او روشد که این رژیم قادر به حل مشکلات روز زحمتکشان

# جنبش دانشجویی و: دیدگاه ارتجاعی و بورژوازی دانشجویان دموکرات

گذراندن زندگی آموزشی خود بر خود ابروی دارند. نتوانند محتوی آموزشی دروس دانشگاهی را بفهمند، بخشدند، فعالیت‌های فرهنگی و هنری دانشجویی را گسترش دهند. (۱ امید شماره ۷)

چنانچه پیداست بزعم اینان، بحاطراتکه دانشجویان در امور رفاه و درمان ممکن که همه مربوط به امور آموزشی می شود و مشترک هستند یک قشر را تشکیل می دهند. (۱ درباره فعالیت‌های فرهنگی و هنری باید گفت، اینها را با همه به حساب اینکه آقایان خواسته اند مقاله با این استدلال باشد گذاشت و لاغیر، چراکه دقیقاً این فعالیتها ارتباط مستقیمی با کراتیات اندیشه و لویک - سیاسی دانشجویان دارد و عموم دانشجویان در آن ذینفع نیستند، پس می توانست در یک تشکیلات مستقل شوند و هم مبارزه سیاسی (لاستاز نوع حزب توده ای آن) کنند.

اما در جواب باید گفت چون دانشجویان بصورت ثابت به دستگاه بوروکراسی حاکم وابسته اند و جایگاه آنها در جریان تولید اجتماعی مانده سایر روشنفکران (معلمین و غیره) تشبیه شده، نمی توان آنرا به مناسبت یک قشر به مفهوم طبقاتی آن ارزیابی کرد پس من منظور وسعت شرایط مادی زندگی آنها و سروکار مداومشان با علم و فرهنگ عامل ذهنی تفکر موثری در گروه‌های و کراتیات دانشجویان بازی می کند و عامل عینی نه بخاطر فرسودن که توده اینها هم رذیف با انفرادی کم مردم قرار می دهند بلکه خاستگاه طبقاتی آنهاست که عمدها " وابسته به خرده بورژوازی و بخش وابسته به بورژوازی لیبرال و بورژوازی واسعه اند و بخشی بر ما سده بلند کارگر در دانشگاه که اس سوبه خود در افکار و اعمال دانشجویان منعکس می شود. پس میگویند:

(در جواب اس ارها)

"اس در دست سائگر همان نظریه بورژوازیست که اینها در سال ۱۸۴۸ می ساختند بلایی را که در جهت حذف کامل کسب و معارض بورژوازی و سروکار با اینها حکومت عمومی و حتمایی ارتجاعی کوبه بظان خواهان حدائی و معنائی ناسخ نموده. واس یکی سرار همان عقاید آجرین نوع ارتوزوات دموکرات

جنبش دانشجویی راهمانگونه که به کلام هیئت حاکمه خوش آمدنا سطح ناچیز " اتحادیه سراسری دانشجویی " نازل دهند. البته از این آقایان غیر از این هم انتظار نمی رود چرا که وقتی تحلیل این حزب از شرایط و موقعیت طبقاتی، بورژوازی و همچنین برنامه ها و سیاستهای آن در دست در خدمت هیئت حاکمه و تشبیهت هرچه " قانونی کردن آنست و هرچه بیشتر سد کردن تداوم انقلاب و لجن پراکنی در درون آن است، برنامه ها و تحلیلهائی که بالطبع در قبال جنبش دانشجویی اتخاذ می کنند در خدمت هیئت حاکمه و حفظ سیستم موجود و بعنوان سدی در مقابل رشد جنبش دانشجویی خواهد بود. علاوه بر اینکه ما در اینجا دید بورژوازی " دمکراتها " را نسبت به دانشجویان و جنبش دانشجویی و ارتباط آن با کل جنبش جامعه و حرکت آنرا نشان خواهیم داد طرح " اتحادیه سراسری دانشجویی " را در این شرایط به مثابه یک نزارتجایی و عقب گرد به گذشته که جنبش دانشجویی را در چهارچوب منافع تنگ آکادمیستی و لیبرالی محصور می کند و در نهایت در خدمت هیئت حاکمه خواهد بود در خواهیم کرد.

(۱ دیدگاه با اصطلاح دموکراتها به جنبش دانشجویی دیدار تجاری و بورژوازی است.

" دموکراتها " دانشجویان را مثل سایر اقشار و طبقات جامعه مانند کارگر، پیشه ور، معلم و یا مثل هر صنف دیگر ارزیابی می کنند و با لاجبار همان ترهات بورژوازی را که برای مبارزیدن به مبارزات آنها عرضه می کنند به جنبش دانشجویی نزارا نه می کنند و بدون اینکه ویژگیهای آن را بطور مشخص روشن کنند شروع به تمدن " حقوق و منافع صنفی و سیاسی " آن می کنند.

" این سازمان ( اتحادیه سراسری دانشجویی ) صرف و توده " معینی از مردم - دانشجویان - را در خود مشکل می کند و ملاک اصلی آنست که اشکال، اشتراک دانشجویان در منافع صنفی شان است. " ( ناگوار ما ست ، امید شماره ۷ )

و با در جای دیگر :

" ار همین رو است که افراد اس صنفی صرف طرار عقاید سیاسی و ایدئولوژیک شان در اتحادیه گرد می آید، مشکل می یارند و برای رسیدن به حوائتسهای حقه شان مبارزه کنند از رفاه و آسایش و رفاه و رفاه و رفاه

در شرایطی که حسن دمکراسی و مدام بریبا - لسنی حلقهای ایران اعتلا نویسی با فتنه اس در شرایطی که بحران سرمایه داری وابسته سادهای طبقاتی را آتجان حدت و سادت بحسده که نارند مبارزه طبقاتی مریسندی مافع طبقاتی هرچه بیشتر و بیشتر می گردد و هر لحظه از کسب جنبش، بوده ه، تجریسات گرانقدری از ما هت احزاب و سازمانهای و ... سازمانها، لیبرال، زویونیست و مرتجع بدست می آورند. در این شرایط وضعیت جنبش دانشجویی را نیز نمی توان جدا از وضعیت عمومی جامعه بررسی و تحلیل کرد چرا که انعکاس گروه هندیهای سیاسی جامعه و مرز بندی بین آنها را توضیح ما در گروه هندیهای ایدئولوژیک سیاسی دانشجویان می بینیم بقول لنین :

" گروه هندیهای سیاسی میان دانشجویان چیزی نیست مگر انعکاسی از گروه هندیهای سیاسی درون جامعه به مثابه یک کل، مبارزه مبارزه " طبقاتی در جامعه " مرز بندی این گروه هندیها را بصورت آشکار بیان می کند. " ( وظایف جوانان انقلابی )

با ریکفته لنین : " وظیفه هر سوسیالیست است که در جهت مرز بندی دقیق و آگاهانه میان گروههای سیاسی نامتجانس بکوشد. " ( وظایف جوانان انقلابی )

در چنین وضعیتی که مبارزه طبقاتی اعتلا نویسی پیدا کرده طرح " اتحادیه سراسری دانشجویی " از طرف " اسد " وابسته به " سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات " وابسته به حزب توده " خائو " سطح مبارزات سیاسی دانشجویان را به سطح مبارزه آکادمیک کساندن یعنی مبارزه دانشجویان را در چهارچوب ناسون محصور کردن و با به عبارت دیگر بحال هیئت حاکمه را از جانب حساسترین بخش روشنفکران راجد کردن اس است دانشجویان وابسته به حزب توده می خواهد جنبش ارتجاعی سازمانها را به کارانه و حیانت کارانه آنها در سطح جامعه راه دانشگاه سرگرسیده دهند. بطور حتم بوده در سطح حتمی بوده ای حاکمیتی و آسنان نویسی ارتجاعت حاکمه راه حد افراط رسانده است و برای سرکوب انقلاب ارتجاعت کوسی در جهت بازی کردن به هیئت حاکمه روگردان سبب او اعلا را تمام شده و مردم را در عیب و نه سارندگی می کند. دانشجویان " دمکرات " سازمان وابسته به آن سومی خواهد سطح مبر

اینست که اسد سازمان بیگانه در راه آزادی



تفاوت - اپورتونیستها و ریبزیونیستها -  
شیکه خواهان یک حزب وسیع و متحد  
دموکراتیک و مبارزه از طریق مسالمت  
آمیوزورفرم و آشتی طبقاتی هستند.

اینان همواره  
از مخالفین " گروهبندی " تفرقه  
افکنانه و از جانب جنبش " سیاسی  
عمومی " بوده و خواهند بود. ( لنین  
وظایف جوانان انقلابی ) ( در جواب  
اسرارها که هرگونه تقسیم بندی دانشجو  
بنا بر اساس منافع طبقات مختلف  
جامعه تفرقه افکنانه می گفتند )  
۳- " اتحادیه سراسری دانشجویی " حربه‌ای  
در دست ریبزیونیستها برای مهار کردن  
جنبش دانشجویی :

با این تحلیل که از دانشجویان و جنبش  
دانشجویی ارائه شد دیگر نمی توان مبارزه  
سیاسی دانشجویان را مجرد از مبارزه طبقاتی  
جامعه در نظر گرفت و چون در این شرایط کس  
بمورت اجمالی به آن اشاره شد مبارزه سیاسی  
دانشجویان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار  
دارد و لذا اشکال سازماندهی آنها نیز تغییر  
اساسی خواهند کرد. شکل سازماندهی " اتحادیه  
سراسری دانشجویی " نمی تواند جوابگوی مبارزات  
دانشجویان کمونیست ، دانشجویان دموکرات -  
واقعی شود و امولا " در این شرایط از پیشبرد  
مبارزه ، سیاسی واقعی عاجز است . و در واقع  
اطلاق مبارزه سیاسی به " اتحادیه سراسری -  
دانشجویی " حرف مفت و بوجی بیش نخواهد بود  
که دموکرات نماها برای خالی نبودن عریضه  
طرح کرده اند این موضوع را سعی میکنیم در زیر  
مستتر نگاه کنیم .

" مسئله مورد بحث فعالیت سیاسی است و این  
مسئله بنا بر عملش ارتباط ناگسستگی با مبارزه  
احزاب داشته و بطور احتساب ناپذیری انتخاب  
یک حزب معین و مشخص را در بر میگیرد . ( وظایف  
جوانان انقلابی )

وقتی لنین به مراجعات اعلام می کند که ما -  
رژیم سیاسی دانشجویان ارتباط لاینفکی با مبارزه  
طبقاتی جامعه و همچنین مبارزه احزاب مختلف  
دارد ، اینان منکران واقعیت می شوند و اینرا  
انحراف جنبش دانشجویی از روند کلی و عینی  
آن جامعه تلقی می کنند .  
آرشیو اسناد  
" جنبش دانشجویی - و بطریق اولی اتحادیه  
دانشجویی ( ! ) می تواند با بدشمارهای خود را -

با شمارهای صنفی و سیاسی سایر قشرها و گروههای  
پیشروجا معه بویژه زحمتگشان هم آهنگ و همسراه  
کندولی دانشجویان نمی توانند دنیا بد ، جنبش  
و سازمان خود را جانشین جنبش عمومی جامعه  
و سازمانهای دیگر نمایند . تا شیرخارجی چنین  
عملی چیزی نیست جز جدا شدن و منحرف شدن  
جنبش دانشجویی از روند کلی و عینی جامعه  
و در داخل نیز موجب پس زدن توده ، دانشجویان  
بق اولی اتحادیه دانشجویی می شود . ( امید  
شماره ۷ )

پس معلوم شد که حضرات نمی توانند گروهبندی -  
بهای سیاسی دانشجویان را بپذیرند و این  
طبیعی است چرا که اصولاً " تحلیل طبقاتی  
جامعه و مرز بندی بین خواستهای طبقات و اقشار -  
مختلف در انقلاب سیاستهای خائنه ایشبان  
را برهم خواهد زد و در اینجا نیز مثل همیشه جنبش  
دانشجویی را بر احتی ماستمالی کرده و عاری  
از هرگونه تحلیل طبقاتی دست پختشان را در خدمت  
مت هیئت حاکمه گذاشته اند بزعم آقایان مثلاً هر  
دانشجویانی پیدا شوند مثلاً " خواستهای حداقل  
طبقه کارگروما بر اقشار خلقی را در انقلا ب  
دمکراتیک در دانشگاهها تبلیغ و ترویج کنند  
یعنی وظایف سوسیال دمکراتیک را از دید  
منافع طبقه کارگردر میان دانشجویان انجام  
داده و مبارزات دانشجویی را ارتقاء دهند و یا  
هرگاه دانشجویانی پیدا شود که مبارزه دمکرا -  
تیک و قدا مهربالیستی خلقها را در دانشگاهها  
منعکس کنند و توده های دانشجویان را به هر  
ستم امپریالیسم و ارتجاع آشنا سازند ب  
معنی جایگزینی جنبش عمومی جامعه ( سازمان -  
نهای دیگری به جای اصطلاح جنبش خود یعنی  
" اتحادیه سراسری دانشجویی " است که جنبش  
دانشجویی و بطریق اولی " اتحادیه سراسری ... "  
را منحرف می کند ! باید از دموکرات نماها  
پرسید پس مبارزه سیاسی از نظر شما یعنی چه ؟  
جواب خواهند داد :

" مبارزه ، اتحادیه دانشجویی برای امور -  
صنفی مثلاً " برای متوقف کردن شهریه ، مالی  
و غیر وابسته نمودن محتوی آموزش دروس و زدودن -  
محتوی درس از فرهنگ استعماری که همگی  
مبارزات صرفاً " صنفی بنظر می رسد ( ! ) در آخرین  
تحلیل تمام سیاست مالی ، اقتصادی و اجتماعی  
و فرهنگی دولت را مطرح می سازد " ( همانجا )  
عجب ! این هم معنی مبارزه سیاسی !  
سازمان آقایان چون مبارزات صنفی به نیای طبقه کارگر  
دولت رابطه دارد پس مبارزه صنفی ، سیاسی  
تبراعت کسی نیست بترسد که پس جراتش را -

گذاشته اند مبارزه صنفی ؟  
می بینیم که برداشت مصلحتی اینان از مبارزه  
سیاسی دانشجویی در حقیقت مبارزه سیاسی  
واقعی نیست بلکه همان مبارزه صنفی است  
و تنها آن مبارزه ای را سیاسی می دانند که به  
خواستهای صنفی مربوط باشد و لا غیر ! یعنی  
همان اکونومیسم تمام عیار . بگذارید یکبار  
دیگر لنین جوابتان را بد هد !

" سوالی که باید مطرح کرد اینست که  
نقش مشخص سیاسی دانشجویان چیست ؟ آیا  
قادرند بر کار این مطلب نیستند که ابتدا ضروری است  
که شما کاملاً " چشمهایتان را بروی این حقیقت  
که دانشجویان ازبقیه ، جامعه جدا نیستند -  
نتیجتاً " همواره و بطور احتساب ناپذیری  
تبلور دهندند گروهبندیهای سیاسی  
جامعه می باشند ، بنیادین و سپس  
با چنین چشمهای بسته درباره چنین دانشجویانی  
و یا دانشجویان بمثابه یک کل به وراجسی  
بپردازید ؟ نتیجه ، حاصله از این آن است ...  
زبان تقسیم شدن و جدائی در اثر ارتباط با یک  
حزب سیاسی مشخص .

مانند روز روشن است که بحث کننده برای دستیا -  
سی به این نتایج عجیب و غریب ، محبور بوده -  
که سطح سیاسی خود را به سطح آموزشی یا حرفه ای  
تنزل دهد . " رولوترسیون یا روسو " در مقاله  
" دانشجویان و انقلاب " درست یک چنین پرسشی  
را انجام می دهد . این مقاله در ابتدا درباره ..  
منافع عمومی دانشجویان و مبارزه عمومی آنها  
داد سخن داده و سپس به بحث درباره اهداف  
تحصیلی دانشجویان و اینکه دانشجویان باید  
برای فعالیت های آینده اجتماعی خود آماده  
سازند و تعلیم دهند و بدین صورت به مبارزینی که  
از لحاظ سیاسی آگاهند تبدیل کردند ، میباید زد ..  
این نکات هر دو منطقی بنظر می آید - ولی  
هیچگونه ربطی به مسئله مربوطه نداشته  
و تنها کاریکه می کند مسئله مورد بحث را کج تر  
می نماید . مسئله مورد بحث فعالیت سیاسی  
است ، و این مسئله بنا بر عملش ارتباط نا -  
گسستگی با مبارزه احزاب داشته و بطور احتساب  
ناپذیری انتخاب یک حزب معین و مشخص را در بر  
می گیرد . " ( لنین وظایف جوانان انقلابی )  
حال که روشن شد مضمون فعالیت و برنامهم  
این " اتحادیه " دقیقاً جنبه آکادمیک می  
دارد . مطرح شدن آن را با توجه به شرایط کنونی  
تجزیه و تحلیل می کنیم ما فکرمی کنیم مشکل  
سازماندهی توده های دانشجویان مسائل  
آکادمیک و علم تان در این شرایط انقلابی  
www.peykar.org

جنبش دانشجویی ...

به تنها روحیه انقلابی و مبارزاتی دانشجویان را به انحطاط خواهدکشاند، بلکه سدی خواهد بود در مقابل روندروبه تکامل جنبش دانشجویی.

جنبش دانشجویی با توجه به تمام ویژهگیهای عاقلانه که از آنها نام بردیم اشکال سازماندهی بناسی با در نظر گرفتن شرایط، اولاً بر طبق منافع طبقه کارگر لزوم ایجاد تشکلهای م - ل دانشجویی را می طلبد و در ثانی با اتکاب این تشکلهای وانجام هر چه بیشتر آنها باید برتری گسترش دامنه مبارزاتی دانشجویان در جهت ایجاد تشکیلات دموکراتیک فدا میریالیست در برگیرنده کلیه دانشجویان فدا میریالیست نیست باشد گام برداشت.

" ممکن است شرایطی پیش آید که یک جنبش آکادمیکی سطح یک جنبش سیاسی را پایین آورده - انرا پراکنده کند و یا از آن منحرف شود، در یک چنین شرایطی گروههای دانشجویی سوسیال دمکراتیک باید تمام تهیج خود را بر ضد جنبش جنبش متمرکز کنند. " ( لنین جنبش دانشجویی و اوضاع سیاسی کنونی )

لنین علاوه بر اینکه سوسیال دمکراتها را دعوت به مبارزه علیه جنبش آکادمیکی در شرایطی که وجود آن، مبارزه سیاسی دانشجویان را به انحراف می کشاند، می کند همچنین شرایطی را که مبارزه آکادمیکی می تواند با آن انطباق داشته باشد مشخص می کند.

" این جنبش ( آکادمیکی ) در صورت هر زمانی آغاز می شود که ما فاقد مبارزه توده ای می باشیم یعنی زمانیکه سکون و آرامش در جامعه شروع شده و توده های عظیم خلق هنوز خاموش و با حواسی جمع و آهسته به تجزیه و تحلیل تجارب سه ساله انقلاب ادامه می دهند " ( جنبش دانشجویی و اوضاع سیاسی کنونی - لنین )

روزیونیست ها برای اینکه طرح " اتحادیه سراسری دانشجویی " را به مورد اجرا گذرانند باید انقلاب و جوش مجدد خلقهای ایران را نفسی کنند. باید توده ها و دانشجویان نشان دهند که انقلاب تمام شده و سازندگی را باید شروع کرد. و اینجاست که فرباد خلقهای دلاور و عزم را سخ آنها مشت محکمی بر دهان این سگ و سرایان خواهد کوبید.

# برخورد انحصار طلبانه افقهای شورای کوهنوردان تهران

روزه شنبه ۵۸/۱۱/۳۰ مراسمی جهت گرامی داشت شهیدان کوهنوردان آزادی و سالگرد تپام ۲۲ بهمن، توسط شورای کوهنوردان تهران در محل شورا ( ضلع جنوبی امجدیه ) ترتیب یافته بود.

قبل از شروع مراسم اعلام شد هر گروه سازمانی که پیام دارد به هیئت برگزار کننده مراسم بدهد، ما بپشت عنوان کوهنوردان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بیامی کوتاه

که شامل: پشتیبانی از شورا، نام بردن از شهیدان بخش منتهی به کوهنوردان نیز بوده اند، بادی از همه شهیدان راه آزادی، آرزوی پیوسته نقیبت برای شورا، دادیم.

هیئت برگزار کننده بدون توجه به محتوای آن فقط به اسم پیام دهنده اشاره می کنند و می گویند ما کارمان منفی است نه سیاسی، بحث درمی گیریم و ما با برخورد غیر اصولی و خصمانه روبرو می شویم در نهایت پیام ما مورد قبول قرار نمی گیرد.

مراسم با پیام شورای کوهنوردان تهران که

این گزارش توسط کمیته انضباطی هیئت سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به دست ما رسیده است ( ۱۶ آذر )

## مجمع نمایندگان دبیر مدرسه عالی کامپیوتر و دانشجویان انجمن اسلامی!

بدنیال سایر سیاستهای انحصار طلبانه احزاب اسلامی در دانشگاهها نمود بارز این انحراف رنالیها را در انتخابات مجمع نمایندگان بحوبی دیده شده است چنانکه در ترم گذشته این انجمن نمایندگان دانشجویان توسط انجمن اسلامی قلمبه شده بود و با پذیرفته شدن طرح غیر درمدی باعث شده اکثریت نماینده ها از این انجمن باشند و برای اهداف انحصار طلبانه آنها باشد. این کمیته عملاً توجیه کننده و عامل اجرائی سیاستهای رژیم در مدرسه شده بود و همکار نزدیک آنها طبق معمول دانشجویان روزیونیست دمکرات بوده اند.

از کارهای انقلابی این انجمن در ترم گذشته: ۱- تقسیم کمک هزینه به همان معیار قبلی شرط معدل.

۲- فشار بر روی فعالیتهای منفی.

۳- معرفی نکردن ساواکبهای مدرسه.

۴- ادامه همان سیستم آموزشی سابق تحت اسمهای جدید.

۵- حذف ترم تابستان.

در ترم جدید انجمن اسلامی که می دانستند

یک سابق نمی توانیم مجمع نمایندگان را در اختیار بگیریم کارشکنی و به تعویق انداختن، انتخابات مجمع نمایندگان برداخت و طرح اقلیت و اکثریت را مطرح کرد که با واکنش شدید دانشجویان انقلابی مواجه شده البته با زهم دانشجویان " دمکرات " همکار نزدیک انجمن اسلامی بودند در اثر واکنش دانشجویان انقلابی انجمن اسلامی را وادار به عقب نشینی نمود و سبب شده طرح در صدی انجمن دانشجویان مسلمان که مورد حمایت پیشگام و دانشجویان هوادار سازمان پیکار قرار گرفته بود به تصویب برسد.

## روزیونیستها را افشا و طرد کنیم

# انتخابات مجلس شورای ملی در چه شرایطی برگزار شد؟



# انتخابات گردستان

رژیم "جمهوری اسلامی" در شرایطی حاکمیت مدخلی و ارتحای خود را از آخرین چهارجوب "قانون" می گذارند که حتی اعتماد عقب مانده تریس بوده ها را نیز از خود سلب کرده است. توده ها بدرستی در زندگی روزمره درک کرده اند این رژیم صبح کدام از خواسته ها بشان را بر آورده - ساجد و این را نیز فهمیده اند که وعده وعیدها - سواجالی همراة با شعارهای دهن برکن "حاکمیت عدل اسلامی" برای آنها نان نخواهند.

"املا" وضع ماهج تعبیری نکرده است واکبر اوجاع همینطور سماندانی توانیم تحمل کنیم مردم همان کارهایی که در مورد رژیم ساجد انجام دادند خواهند کرد. (سخنان یک کارگر - انتخابات مجلس شورا)

آری، اگر وضع همین سوال بگذرد "جمهوری اسلامی" سز در بر جرح مبارزه طبقاتی سرنوشتی عرار رژیم ساجد نخواهد داشت و این راهیست حاکمه "جمهوری اسلامی" هم بهتری داد و برای همین سخور است که وعده، دموکراسی و انتخابات "آزاد"

می دهد با از این کاتال بوده ها را متوهم ساخته و ما هم مدخلی خود را تحت پوشش با صلاح دموکراسی و انتخابات "آزاد" مجلس شورای ملی بیوشاند و جسدی به حیات تنگین خود اضافه کند. انتخاب

نات مجلس شورای ملی با ردیگر ما هیست "دموکراسی" سوزروانی و سنا ربه شکل اسلامیش را بر ملا ساخت. و سنا داد که حیری جدید کتا توری سوزروانی سز عیبه کارگران و زحمتکشان و دید کتا توری بر علیه سماندگان سیاسی کارگران و زحمتکشان که به قصد

افسای همین موضوع در انتخابات مجلس سوزروانی سرت می کنند نیست. رژیم جمهوری اسلامی از همان اول با هزاران خدعه و نیرنگ و سنادی از "طرح سطفه ای" و "سیسی" طرح دومرله ای "گرفته

با بولنه" لغو انتخابات در بعضی از شهرهای کردستان و سمانی ولجن پراکتی بر علیه کمونیست ها و سروهای انقلابی به منظور انحصاری کردن مجلس در خدمت "حزب فراگیرنده جمهوری اسلامی" و اجوان و انصارش و همچنین توطئه محاکمه "محمد تقی سهرام" و ... دید کتا توری سوزروانی و ما هیست

خدخلی خود را نشان داد. و بخصوص زمانیکه اس توطئه ها با طرح "ائتلاف بزرگ" (سخوان تونله بزرگ) و تبلیغات بی امان بر علیه انقلابیون درست بکروزمانده به انتخابات از

راد سو و تلو سزیون، و همچنین فتوای خمینی مبنی بر انتخاب کاندیداهایی که "قانون اساسی" را قبول داشته باشند در آمنت دومسئله "اساسی یکی اوج و حثت هیئت حاکمه از ورود انقلابیون و

کمونیست ها به مجلس و دیگری وحدت تمام جناحهای هیئت حاکمه را در مقابل انقلاب و سرکوب آن را عیان کرد، رژیم همچنین نمی توانست در جنگی انجام انتخابات بی تفاوت سماند بهمین دلیل در روز - انتخابات نیز ما نا هت توطئه ها و تقلبهای وسیعی

که سوسله ابادی آن در حوزه های مختلف سوزروانی می گرفت بودیم ما نا هت بودیم که چگونه از سنا آگاهی و بسوادای توده ها سوسه استفاده می کردند

در ۸/۱۲/۲۰۰۸ اعلام شد که انتخابات در حوزه "سندج بعیت" نامی (۱) برگزار خواهد شد. مردم قهره ن مای دانسته که این کار خیلست کشف دبیتری است برای جلوگیری از ورود انقلابیون سماندگان واقعی مردم زحمتکش و خلقهای دلاور - ایران به مجلس شورا.

هیئت حاکمه خوب می دانند که در صورت برگزاری انتخابات در حوزه های چون سندج، انقلابیون با پشتیبانی خلق قهرمان کردیه مجلس راه می - سبند. رژیم از وجود انقلابیون در مجلس شورا و حثت دارد، چون می دانند که کمونیستها برای روی آب انداختن پته "سیاستهای خدخلقی

رژیم در مجلس شورا، به مجلس می روند. بهمین دلیل هیئت حاکمه با نیرنگ و فریب سعی می کنند کاری بکنند که ریش و قیچی در دست خودش

ولیسست ۳۰ نفری "ائتلاف بزرگ" را در رای آنها جای می دادند. مثلاً "در یکی از حوزه های (انتهای هاشمی) که "ائتلاف بزرگ" موفقیت نداشت ابادی رژیم با هزاران کلک خواستند انتخابات را

مخدوش اعلام کنند و این را دقیقاً "زمانی علم می کردند که جوانان انقلابی محل مج آنها را در - حین تقلب سبوق می گرفتند. ما در چندین حوزه نا هت بودیم که چگونه بسوادها را به "معتمد محل"

آنهم از نوع عبا و عمامه ایش معرفی می کردند تا بجای آنها رای مادر کنند. اینها و هزاران وا - قعبیت دیگر نمونه های بارزی هستند که ارتباط مستقیم حیات حاکمیت فعلی را با نا آگاه و متوهم

نگه داشتن توده ها بوضوح بیان می کنند و بسا توجه به این امر آگاهی سیاسی و طبقاتی دادن به توده ها و افشای طبقاتی حاکمیت فعلی، افشای طبقاتی نه فقط لیسرا لیا بلکه لیسرا لیم افشای و سنا ساندن حقانیت خود و سنا سنا های خود بسا توده ها جز وظایف خطیر کمونیستها می شود.

جراد در انتخابات شرکت کرده اید؟ کارگر: بخاطر اسلام که وضع ما هم خوب شود. چه خواسته هایی دارید؟

کارگر: به ما کار درستی بدهند، خانه بدهند، ما آگاهی نداریم با سنی ما را آگاه کنند. به چه چکسانی رای می دهید؟ به بازگرا زوع سدر ا طالقانی و دونفر دیگر.

کارگر: چون کسی دیگری را نمی شناختم!؟ (صحبت های یک کارگر در جریان انتخابات مجلس شورای ملی)

و ... آری تو هم توده ها اید که نیست. زحمتکشان از انقلاب از دولت مردودیت خود، از مجلس سزرا ... "نان نمی خواهند سسکن" و "آزادی". آیا این همه سواد سراج اعران و انصارش در روزها سزرا و سزرا این خراسته های اساسی توده ها سزرا دهند؟ هرگز! این است رمز فرودین تو هم توده ها.

## تقدیم...

مسلمان داشته باشیم ولی هرگز سخن ما با کهنه کارانی که همواره در ابتذال و بی فرهنگی تلاش کرده و مطرب ها دعوت می کنند و بی شبهه های سوزروانی سالن را با بلیطهای ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ ریالی قسمت می کنند نمی باشد.

۱۳۵۸/۱۲/۱۹

دانشجویان هوادار

"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

مشهد

باشد، تا هرچه می تواند بکنیم سرمایه داران و بر ضد منافع زحمتکشان انجام دهد، عدم برگزاری انتخابات در سندج هم یکی از این نیرنگهاست.

توطئه های هیئت حاکمه را خنثی کنیم!

دانشجویان و دانش آموزان هوادار

"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

## بیکاری، لکه تنگی...

علاز زندگی کنیم، علتش این است که زبردست امپریالیسم آمریکا هستیم و زمانی که این وابستگی قطع نشود این بیکاری وجود دارد و آقای بنی صدر! زمانی که طبقه کارگر را پشت سر نداشته باشی امکان ندارد بتوانی برنامۀ خود را بسازد کنی زیرا این برنامۀ خیالی شما تنها بسوسله با زوی کارگران و کشت دهقانان صورت می گیرد و برنامۀ شما فقط یک شعار تو خالیست و ... " و شعارهای "کار با ایدای جا به - وعده وعید سون نمیشه"، "زن بسجه گرسنه سسرش نمیشه" "دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه" بسوسله جمع تکرار شود و خواست کارگران مطرح شد: ۱- خواست کوتاه مدت پرداخت مبلغ ۵۰۰/۰ تومان به هر یک از کارگران بیکار بعلت نزدیک شدن عید.

۲- ایجاد کار بسعنوان خواست دراز مدت. بعد از مطرح شدن این خواستها کارگران خواسته شد که متفرق شوند. جالب توجه اینجاست که اینبار علاوه بر پاسداران سرمایه ما مورین شهرستانی یعنی همان کار دیه های سابق نیز حضور داشته و بدقت و وقار را زیر نظر داشتند.

این جمعیت میر و دکه هرچه بیشتر ما هیست خدخلی رژیم را افشاء کنند و سنا دهده که این رژیم هیچیک از خواستهای زحمتکشان و بخصوص بیکاری را گذشته از آنکه نمی خواهد بلکه نمیتواند حل کند زیرا بیکاری بیماری مزمن نظام سرمایه داری بوده و هیچ راه حلی غیر از دگرگونی این نظام بدست توانای کارگران و زحمتکشان ندارد و رژیم جمهوری اسلامی که رفع بیکاری را در ارجا دارد و نطق کاذب اقتصاد که در شرایط حاضر احتیاج به شرایط "امن" برای استنما رو بهره کشی داشته و این خود نیز

به تمحیق و متوهم ساختن کارگران و زحمتکشان از یکطرف و سرکوب و ترور و زندانی کردن کارگران مبارز و آگاه از طرف دیگر دارد می بیند و بیش از پیش ماهیت خود را زگی خود را نشان می دهد. شاید هم انتظار علاج بحران بیکاری را داشته.



# روسوی خلقت

ما شکاف خونین چشمها مان  
روسوی شما می گیریم  
ای پیکارگران آفتاب  
ای سرزمین بازبرخاسته خونین  
ای کردستان زخم  
برزخم

ما  
آری

از یاد دمی بریم  
صفوف شتابناک مردانستان را  
که گلوله های دشمن را تحقیر کردند در سخت ترین لحظه های مرگ و زندگی  
وفاتحانه بازگشتند ز دره های کوهسارانستان

ما

از یاد دمی بریم  
روستا های سوخته تان را  
که از میان شعله های آمد  
از لیب تا تاران

ما از یاد دمی بریم  
سرودهای پیشمرگان رنج را  
برکولی تفنگ  
برکولی دسته دسته گندم  
تا از نبردی

به نبردی

دیگر

کوچ کنند.

ما شکاف خونین چشمها مان را  
روسوی شما می گیریم  
روسوی شما  
که انقلاب را

برفر از دستها تان

گرفتید و

هر صخره را

سنگر

نبرد کردید

و در شبان سهمگین کشتار  
سرمای جهنمی بورش را  
برگرد قلبهای شعله ورتان  
درهم شکستید

برگرد قلبها

و در امتداد

ثلثک آتشین گلوله ها

ما از یاد دمی بریم

شما

بر تمام جاده های بومی

پیش رفتید

تالاشه های دشمن را

از خاک با رور بر ویسند

از سرا بر سرزمین زخمی بومی

از پهنه های میهن دریند

ما شکاف خونین چشمها مان را

روسوی شما می گیریم

و پرده های سیاه وهم را

می دریم

وقبا های خرافات را

پس می زنیم  
ونقاب های فریبناک را

با تیسیم سرمایه وستم  
می شکافیم

تا از پس فواصل بوج

به سوی شما بال بکشایم

شما که حتی

اینگ

در کوچه ها و خیابانهای منتظر

فریاد می زنید آزادی بزرگ خلقها را

وصحن مساجد را حتی

به صحنه نبردی دیگر

بدل می کنید

ما شکاف خونین چشمها مان را

روسوی شما می گیریم

و چشم برمی گیریم

از فریبها

هیاهوها

همه ها

از هر آنچه که

شنیده میشود

از فراز اریکه قدرت

ما شکاف خونین چشمها مان را

روسوی شما می گیریم

و می بینیم در لوله های ساکت تفنگها تان

قلب سرخ شما را

که همچنان

له له می زند

برای خواندن سرودهای رهایی

آری

ما اکنون

از دوردست سرزمین خروشان

آوازه ای تان را

بلند

نعره می کشیم

و باوازه های خشم

مشت می کوبیم

بر دیوارهای شیشه ای فریب

و با می کشانیم

سوی صفوف بر ملاستان

ای خلق پیکارجوی



آرشیو اسناد سازمان پیکارگران آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org



۱۴ مارس ۲۳ اسفند

۱۴ مارس، سالروز درگذشت کارل مارکس، بنیانگذار سوسیالیسم علمی و معلم کبیر پروتاریا است. مارکسیسم بنیاد بر مبنای مکتوبی است که در سال ۱۸۴۸ میلادی در فرانسه منتشر شد. این مکتوب به نام «مقدمه بر نقدی بر فلسفه حقوقی آیدلر» مشهور است. پروتاریای جهان، خطره و هیلان خود را هرگز فراموش نخواهد کرد.



۱۴ اسفند

بیست و هفتمین سال درگذشت رفیق ژوزف استالین یکی از رهبران بزرگ پروتاریا و بنادار به مارکسیسم-لنینیسم و دیکتاتوری پروتاریا است. استالین در شرایطی چشم بر جهان بر بست و پروتاریا جهان را ترک گفت که آنزکی بود، دارد دستة مرفه و مرفه نبود. نسبت خروشیدن، با غضب رهبری حزب کمونیست شوروی بزرگترین دستاورد طبقه کارگر روسیه شوروی جنبی دیکتاتوری پروتاریا و حکومتشورهاها را به تدریج به خود خود یعنی حکومت استالین را گران ترین مدل ساخته. یاد رفیق استالین را که خورشید و رهروانش حتی از باقی ماندن نام وی در ذهن پروتاریای شوروی نیز وحشت داشته، گریس می داریم.

کمون ... طبقه از صنف ۱۰

الماند مال الاچاره ها ازین رفت. کارخانه ها ش که به آنها رسیدگی نشده بود در اختیار سازمانهای نمائی کارگری قرار گرفت و خسارت آن برداختند. و تمامی این اقدامات را کمون پاریس در طول عمر کوتاه خود انجام داد. قدرت دولتی انگل را خرد و نابود کرد. و این در حالی بود که کمونیستها این نمایندگان واقعی طبقه کارگر بر آن رهبری نداشتند. بلکه اعضای کمون پاریس را یک اکثریت بلانکیست و یک اقلیت عموماً "متشکله

کمون پاریس به زحمتگشان آموخت که:

طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی جز بر تشکیلات مستقل خود نمی تواند تکیه کند.

از عناصر پرودنیست تشکیل می داد. اما اقدامات کمون درست نقطه مقابل پرودنیسم بود. مهم ترین نصیحت کمون مربوط به سازماندهی صنعت بزرگ بود. تشکیلاتی که درست در نقطه مقابل آرمانهای پرودنیسم، این جسم آرمانهای دهقانان کوچک و بیسند و روان بود و نیز کمون خلاف نظریه بلانکیستها، تشکیل یک فدراسیون آزاد را در کمونهای نمائی نواحی پاریس و یک سازمان ملی دعوت می کرد.

آری، غریزه طبقه کارگر راه خود را میبیمود اما این رهبران، علیرغم تمام انقلابی بودن میهرانحرفات خود را بر کمون کوبیدند. پرو - لتاریا در نیمه راه ایستاد. به مصادره کامل اموال دست نزد. مؤسساتی از قبیل بانکها را تصاحب نکرد. و قاطعیت خود را در سرکوب دشمنان تازه آختر رساند. در تکمیل پیروزی خود در پاریس با حمله قاطعانه به ورسای تعلق نمود و بدولت ورسای فرصت داد که نیرو جمع آوری کند و به سرکوب کمون بپردازد. از همه مهمترین کمون پاریس بر اساس شرایطی که در آن قرار داشت می بایست استقرار دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان را در دستور خود قرار می داد و آنکه به تحقق دیکتاتوری سوسیالیستی بر می خاست. یعنی آنکه می بایست برنامه خد اقل را انجام دهد. و می بایست نمایندگان پرولتار - یای سوسیالیست با خرد پیروزی در یک حکومت انقلابی شرکت کنند. و تمامی این شرایط و تمامی این مسائل سبب شده کمون پیروزی قاطع را کسب نکند: اتحاد سوزواری خون خوار بر علیه پرولتاریا، رسیدن جمهوریخواهان سوزو و خرده سوزو ها، که از حطت انقلابی - سوسیالیستی پرولتاریا به وحشت افتاده بودند و زمانی که یکست محتوم جنبش را دیدند خود را از آن کنار کشیدند. پرولتاریا فعی کمون که بجای شهاج قاطع در پیش گرفت و بدینسان، هفته خونین آغاز شد، شها

کارگران برجای مانده بودند. که با شجاعست شکر فی جانانه از حکومت خود دفاع می کردند. با جنگ و دندان می جنگیدند. و سوزواری تمام در - ندگی خود را به نمایش گذاشت: در خیابانهای خون کارگران، بهترین کارگران، جاری شد. زنان کارگر و زحمتکش افسانه وار - جنگیدند. تا آخرین نفس. بیست هزار نفر در خیابانها کشته شدند. و سوزواری از روی اجساد کارگران پیروزی را تصاحب کرد. و وحشیگریهای خود را ادامه

داد: سه هزار نفر در زندانها جان سپردند. دادگاه - های زمان جنگ، ۱۳/۷۰۰ نفر را محکوم کردند. - تبعیدها و زندانها آغاز شد. در قش سرخ پرولتاریا در خون زحمتگشان غرق شد و فرود آمد. اما کمون به جنبش جهانی کارگران، درسها آموخت. کارگران - ملحق پاریس در مبارزه قهرمانانه خویش، بسیار چیزها به جنبش آموختند و از آن حمله اینکه: سوزواری در مقابل با طبقه کارگر از هیچ جنابیتی فروگذار نمی کند. ملیت، اخلاق و دین نمی شناسد. در قاموس او جز سرمایه هیچ ارزشی معنادار ندارد. طبقه کارگر جز بر تشکیلات مستقل خود نمی تواند تکیه کند و در مبارزه بی امان طبقاتی پیروز می شود.

دولت سوزواری را نمی توان تصرف نمود. بلکه می بایست آن را خرد کرد. و قدرت طبقه کارگر را دولتی از نوع کمون را که در واقع دیگر دولت نیست بنیاد نهاد. دموکراسی سوزواری فاسد و پوسیده است و بایست نابود گردد.

دیکتاتوری طبقه کارگر برای سرکوب سوزواری و حفظ قدرت زحمتگشان ضرورت دارد. آری. کمون پاریس، برای اولین بار شکل حکومت آینده طبقه کارگر را روشن ساخت. قدرت طبقه کارگر را آشکارا ساخت. و فساد و گندیدگی اجتناب ناپذیر سوزواری را در مقطعی از رشد خویش بوضوح نمایان کرد. و به همین دلایل روشن: برای سوزواری یک شکست و برای پرولتاریا یک پیروزی بود.

و سخن آخر اینکه، همچنانکه مارکس بی برده بود: "لحظاتی در تاریخ وجود دارند که در آنها مبارزه نومیادانه توده ها، حتی برای موضوعی که ناسن موفقیتی هم نداشتند باید. لازم است تا موجب آموزش بیشتر این توده ها و آمادگی بیشتر آنها برای مبارزات آینده گردد." این "در باره نامه های مارکس به گوگمان"

بیاد رفقای شهید اسفند ماه

ماه اسفند یکی از خونین ترین ماههای دوران خفقان محمدرضا - شاه است ماهی که در آن رفقای از همه و دلیلی که جان بر کف در راه توده ها جنگیده و اگر چه راهشان منطبق بر قانونمندی یعنی مبارزات طبقاتی توده ها نبود اما خلق ها هرگز یاد آنها را فراموش نخواهند کرد. رفقای بخش منشعب از (س.خ.ا.ا): رفیق پرویز بازرگان، رفیق مرتضی خاموشی، رفیق احمد علی گوراب، رفیق میرزا اشرفی، رفیق عبداله امینی و رفیق علی اکبر قائمی و نیز رفقای چریک فدائی. خلق: رفیق مسعود احمدزاده، رفیق عباس مقتدای، رفیق جمشید مومنی، رفیق علی اکبر ضابطی، رفقای، رفیق اسمعیل حسینی عراقی، رفیق محمد رحیم سماهی، رفیق جلیل انفرادی، رفیق ناصر سید دلیلی، رفیق هوشنگ نیری، رفیق محمد علی کرمانشاهی، رفیق اسکندر رحیمی، رفیق غفور حسن پور، رفیق محمد مهدی اسحاقی، رفیق شجاع الدین مشکی، رفیق عباس دانش بهزادی، رفیق محمد هادی ناصحی، رفیق احمد فرزدکی، رفیق هادی بنده خدا انگردی.

... و در زندگان شهید دیگر دوران حکومت پهلوی چون سرگرد علی مجیدی و روزنامه نگار شهید کریم نور شیرازی، جنگی شهبان برون خفته خلق هستند که در اسفند ماه سالهای دیکتاتوری جان خود را تقدیم خلق کردند. یادشان گرامی باد.

یک گوشه از تقلب های آشکار حزب فراگیر در انتخابات

در حوزه انتخاباتی شماره ۱۳۵۷ واقع در انتهای خیابان سلیمانیه سابق که صندوق انتخاباتی در مسجدی گذاشته شده بود در بین زنهای راه دهنده لیستهای از گروههای ائتلافی و جناحهای مختلف از جناحی حزب جمهوری اسلامی بخش می شد. من در بین مردها بخش چنین لیستهایی ندیدم ولی لیستهای خوبی در دست زنان دیده شده می شود برای اطمینان از یکی از آنها پرسیدم که خانوم لیست ها را از کجا آورده اند؟ اشاره کرد و یکی از جوانهای را نشان داد که لباس پاسداری به تن داشت و مسئول نظم حوزه بود!

مشاهده یک رفیق در روز انتخابات